





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

پیغام رہبر-۴

نویسنده:

شہید پروفیسور برہان الدین ربانی

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: پیام رهبر؛ جلد: ۴؛

عنوان فرعی: پیام‌هایی از رهبر شهید؛

نام پدیدآور: شهید پروفسور برهان الدین ربانی، رهبر جهاد و مقاومت،

رئیس جمهور پیشین و شهید صلح افغانستان؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تَحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طرح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۷ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: این پیام‌ها به صورت جداگانه در نشریه‌های جمعیت اسلامی

افغانستان و شماری از نشریه‌های دیگر به نشر رسیده‌است؛

موضوع: پیام‌ها؛

شمارگان: ۳۰۰۰؛

شمار برگه‌ها: ۱۳۳؛

قطع: جیبی؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

ایمیل آدرس: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست عناوین

درآمد	۱۱
به مناسبتِ قیامِ اسلامی ملتِ مسلمان فلسطین	۱۵
به مناسبتِ شهادتِ رادمرد دلیر محمد اسماعیل طارق	۲۱
به مناسبتِ غوغای حلّ سیاسی در افغانستان	۲۵
به مناسبتِ آغاز دور دوم نشرات جریده مجاهد	۴۱
به فرماندهان، مجاهدین و ملتِ مسلمان و قهرمان افغانستان	۴۷
به مناسبتِ سال جدید ۱۳۶۳ هـ ش	۶۳
به مناسبتِ سالروز سیاه شش جدی سال ۱۳۶۴ هـ ش	۶۹
به مناسبتِ آغاز سال نو ۱۳۶۵ هـ ش	۷۵
به مناسبتِ حلول سال نو ۱۳۶۶ هـ ش و هشتمین بهار خونین میهن	۸۳
به مناسبتِ عید سعید اضحی سال ۱۴۰۸ هجری قمری	۹۳
به مناسبتِ توطیۀ تجاوزگران روسی	۱۰۱
نمایه	۱۰۷
رویکردها	۱۲۹

درآمد

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ و بعد:
جای بسی مسرت و شادمانی است که اینک - با لطف
حضرت حق - داریم، جلد چهارم پیغام رهبر را خدمت شایقان
اندیشه‌ی استاد و محبان دانش و معرفت تقدیم می‌داریم.
این مجموعه‌ای که اکنون در لای دستان و پیش چشمان
شماست، در برگیرنده «۱۱» پیامی است، از رهبر شهید W ،
که به مناسبت‌های مختلف نگاشته شده‌اند.

نخستین؛ پیام این مجموعه، به مناسبت «قیام اسلامی ملت
مسلمان فلسطین» نوشته شده، که این قیام را «زاده‌ی ابتکارات
گروه‌های سازشگر چپ و راست» نمی‌داند؛ بل این قیام را برخاسته
از «ضمیر ملت مؤمن فلسطین، از میان کودکان و نوجوانان و...»
می‌داند؛

دومین پیام هم؛ پیام تسلیتی است به مناسبت شهادت بزرگ‌مرد
سنگرهای جهاد و مبارزه، محمد اسماعیل طارق؛
پیام سوم این مجموعه، به مناسبت «غوغای حلّ سیاسی در

افغانستان» است، که آن را یک نیرنگ و مانور سیاسی دیگری می خواند؛

چهارمی هم، پیامی است به مناسبتِ «دور آغاز دوّم نشرات جریده مجاهد»، که در آن از اهمیت قلم سخن می گوید و خاطرنشان می کند که «همین اهل فکر و قلم اند که نسل های انقلابی را تربیت و کتیبه های ایمان را به سوی سنگرهای گرم، سوق می دهند»؛

پنجمی هم، عنوانی فرماندهان، مجاهدان و ملت مسلمان و قهرمان افغانستان است؛

ششمی هم، به مناسبتِ سال نو ۱۳۶۳ هجری خورشیدی، ترقیم شده است، که این سال را بهار نو دیگری از خون و شهادت می خواند؛

هفتمی هم، به مناسبتِ سالروز سیاه شش جدی سال ۱۳۶۴ خورشیدی، نگارش یافته است، که از قهرمانی های ملتش در آن یادآوری می کند؛

هشتمی هم، پیامی است به مناسبتِ آغاز سال نو ۱۳۶۵ خورشیدی، که همگام با مبارکبادگویی سال نو تذکر می دهد که «انقلاب خون بار اسلامی ما به یاری خدای منان و یمن نیروی ایمان و همت بازوان توانای شما ملت غیور و مؤمن، غرور و نخوت استکبار جهانی شرق را درهم شکسته و روند پیروزمندانۀ خود را به سوی پیروزی، با سرعت برق آسا و خیره کننده ای طی می کند.»؛

نهمی هم، به مناسبتِ حلول سال نو ۱۳۶۶ هـ ش، نگاشته شده، که از هشتمین بهار خونین میهن سخن می گوید؛

دهمی هم، پیامی است، به مناسبتِ عید سعید اضحی سال ۱۴۰۸ هجری قمری؛

آخرین پیام این مجموعه، پیامی است به مناسبتِ توطیۀ تجاوزگران روسی در زمینه ادعای خروج نیروهای تجاوزگر روسی

از افغانستان.

کار ما در این اثر این است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به ویرایش می زنیم و از آن بعد در کنار مُعرّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

نکته قابل تذکر دیگر این است:

به این دلیل که ما همه پیام‌ها را به صورت مکمل تا کنون در اختیار نداریم؛ لذا نتوانستیم ترتیب زمانی را در سلسله این پیام‌ها مراعات کنیم، از این بابت ما را معذور دارید.

در مجموع - چنانکه پیش از این گفتیم - این پیام‌ها، در سطور مُوجّزی از یک سو مفاهیم بزرگی را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر این پیام‌ها از عمق چیرگی نویسنده بر سخن، سخن‌ها دارد.

پیش از به پایان رسیدن، این بحث جا دارد که به حکم ﴿لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ﴾ از برادران همکارم در «مرکز تدوین آثار رهبر شهید •»، هر یک خیرالله خیرخواه، دلاور نسیمی و رحیم الله حقجو، سپاسگزاری کنم.

به‌هررو؛ امید ما این است که این پیام‌ها بتواند؛ چون گذشته‌ها در بیدارگری و هدایتگری نسل امروزی ما - نیز - مُمد واقع شود وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

به مناسبتِ قیامِ اسلامی ملتِ مسلمان فلسطین

۳ / ۱۱ / ۱۳۶۷ هـ ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بار دیگر ملت قهرمان فلسطین^۱ به آهنگ درهم شکستن مُهر خموشی - که سال‌هاست بر داعیهٔ برحق این ملت مظلوم و آواره نهاده شده - با خشم و عصیان‌گری قیام کرده‌است.

این قیام زادهٔ ابتکارات گروه‌های سازشگر چپ و راست نیست، که سال‌ها تلاش کردند، عنصر راهگشا و الهام‌بخش اسلام را از مُبارزهٔ ملت فلسطین جدا ساخته و آن را یک مُبارزهٔ بی‌روح و بی‌محتوی سازند.

بلی؛ قیام کنونی ملت فلسطین، محصول شاخهٔ زیتون و شعارهای توخالی انقلابیون قلابی بی‌فرهنگ و محتوی، چپ‌گرا و نیشنلیست نیست، که سال‌ها کاری جز حرف و شعار نداشتند؛ این قیام از ضمیر ملت مؤمن فلسطین، از میان کودکان و نوجوانان، پیرمردان و بیوه‌زنان باتقوی و مؤمن، از داخل سرزمین‌های اشغالی،

۱. فلسطین؛ بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قارهٔ بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس و واحد پولی ندارد، بَيْتُ الْمُقَدَّس؛ یعنی نخستین قبلهٔ مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم ﷺ نیز در آن موقعیت دارد، است. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

از میان اردوگاه‌های آوارگان برخاسته است.

این بار قهرمانان پرشور این مُبارزه، افراد تربیت یافته و حرفه‌ای نظامی نیستند؛ بلکه کودکان و جوانانی‌اند که از سازش کاری‌ها و کج‌روی‌ها به ستوه آمده‌اند. گرایش‌های غیراسلامی در گروه‌های آزادی‌خواه فلسطین - از نظر این به‌پاخاستگان نوعمر - موانع اصلی بر سر راه آزادی فلسطین است.

سلاح اینان مسلسل و خمپاره نیست؛ بلکه با چوب و سنگ علیه نیروهای تاندان مسلح دشمن می‌جنگند. دیروز قشون‌های منظم کشورهای عربی در چند نبرد با همه امکانات وسیع و خیره‌کننده‌شان قادر نشدند، ساعات چند در برابر قطعات نظامی یهود برجا بایستند و چندین کشور عربی، بخش‌های بزرگی از سرزمین‌های خویش را در ساعات محدودی از دست دادند؛ اما امروز همین قشون تاندان مسلح - که با سلاح ذروی مجهز است - از یورش این کودکان به لرزه درآمده است. هر سنگی که به‌دست کودکی به‌سوی لشکریان یهود پرتاب می‌شود، عنوان خمپاره‌ای را دارند که بنیان نظامی و سیاسی صهیونیزم^۱ را تکان می‌دهند.

اکنون حیرت و دست‌پاچگی در رژیم غاصب قدس به چشم می‌خورد، یهودیان مهاجر را ترس و هراسی فرا گرفته و از رفتن به اسرائیل^۲ اِبا می‌ورزند.

۱. صهیونیزم؛ یک حرکت سیاسی و مذهبی متعصب و افراطی بوده که هدفش برپاکردن دولت یهود در فلسطین می‌باشد، دولتی که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند، این اسم را از کوه صهیون کوهی که در قدس واقع است، گرفته‌اند، کوهی که صهیونیست‌ها می‌خواهند بالای آن هیکل سلیمان Z را درست کنند و دولتی به خود برپا کنند که قدس پایتخت آن باشد، حرکت صهیونی به شخص اتریشی «هرتزل» یهودی مرتبط می‌باشد، شخصی که داعی اول به‌طرف فکر صهیونی شمرده شده، حرکت صهیونیزم در تمام جهان بر آرا و افکار وی بنا نهاده شده است، گروه‌های تندرو و متعصب یهودیان صهیونیست، خواهان به‌وجودآوردن یک‌کشور یهودی از راه قهر و سلطه نظامی‌اند که به اصطلاح «از نیل تا فُرات» ادامه داشته باشد. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۲۷ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۷۸ - ۳۷۹. «مرکز تدوین»

۲. اسرائیل؛ بخشی از خاک اشغال‌شده سرزمین فلسطین است که توسط رژیم غاصب

دیروز سلسله‌جنبانان مُبارزۂ فلسطین - که از نیروی پرتوان بی‌بهره بودند - با همه حیل‌ها و سازش‌کاری‌ها نتوانستند، گامی در جهت پشتیبانی ملّت‌ها از داعیۂ فلسطین به پیش بردارند؛ امّا امروز خشم کودکان در مناطق اشغالی همه ملّت‌های جهان را وادار ساخت، تا با اِجلال و تعظیم، در پشت سر این مُبارزه بایستند و جنایات یهودیان جنایتگر را محکوم سازند.

اکنون انقلاب فلسطین راه خود را باز می‌کند، مجاهدین سرب‌کف افغانستان از قیام برحق ملّت مظلوم فلسطین؛ قاطعانه حمایت کرده و خاطرنشان می‌سازند که آزادی ملل مستضعف از راه عذرخواهی در برابر مستکبرین ستمگر به‌دست نمی‌آید. شاهرآه آزادی از مسیر خون و آتش، رنج و حرمان، قیام و عصیان می‌گذرد. ملّت‌های اصیل مسلمان جز با اعلان جهاد و سیر در گُل زمین شهادت‌قادر نخواهند بود، زنجیرهای اسارت را درهم شکنند و مجد و جلال از دست‌داده را دوباره به‌دست آرند. به امید درهم‌شکستن همه زنجیرهای باطل و نابودی همه ستمگران.

برهان‌الدین ربانی

امیر جمعیت اسلامی افغانستان.

صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، اشغال شد. صموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود، تعداد شش صد هزار یهودی مهاجر را در این منطقه سکونت داد و پُست‌های مهم را به آنان واگذار کرد و هرچه زمین بود، با سرنیزه از عرب‌ها خریداری کرده، به‌دست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصرأً به یهود داد. حمل سلاح را بر عرب‌ها ممنوع کرد. در صورتی که تسهیلات فراوانی برای خریداری اسلحه نسبت به یهود مبذول داشت. نگاه: خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، ص: ۲۴۲. «مرکز تدوین»

۵۳

پیام تسلیت

به مناسبتِ شهادتِ رادمرد دلیر محمد اسماعیل طارق.

خبر شهادت قهرمان همیشه‌درسنگر، محمد اسماعیل طارق^۱ - که به‌دستِ ناپاکِ جنایت‌کاران سیه‌دل شهید گشت - مایهٔ تأثر عمیق من و همه سنگرداران دل‌سوز جهاد در جبهات فخرآفرین کشور گردید.

او، یک‌تن از آن چهره‌های تابناک و رزمندگان مؤمن میهن عزیز بود که نظیر آنان در میان فرماندهان کشور بسیار محدودند. او فرماندهی بود دلیر و بادرایت، جوانی بود آگاه و اندیشمند، رزمجویی بود، عالم و با فرهنگ؛ با آنکه اندام نحیف و لاغر داشت؛ اما از قوّت و انرژی خارق‌العاده بهره‌مند بود. او اگرچه در محیط ناز و نعمت بزرگ شده بود؛ اما در سنگرگاه‌ها، در سخت‌ترین اوضاع، فوق‌العاده مقاوم بود.

در میان امواج تند و سهمگین رنج‌ها، مشکلات و خطر‌ها، بی‌باکانه قرار می‌گرفت؛ بلکه هوی و هوسی و یا بیم و هراسی را در خود راه نمی‌داد. چون هفته‌ها در کوه‌پایه‌های لغمان^۲ با گرسنگی و

۱. قاضی محمد اسماعیل طارق؛ امیر عمومی جبهات جهادی ولایت لغمان و امیر زون شرق و منشی شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان بود. «مرکز تدوین»

۲. لغمان؛ یکی از ولایات شرقی افغانستان است. مساحت آن ۳۹۷۷٫۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۴۲۴٫۱ هزار نفر محاسبه شده‌است، مرکز آن شهر مهترلام است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸. «مرکز

محرومیت به سر می برد؛ اما ثبات و استقامت را از دست نمی داد. چه بسا که در دوران کشمکش های جهادی همه چیز را از دست می داد و یکّه و تنها نجات می یافت؛ اما بار دیگر فاتحانه به مراکز دشمنان، غالب می شد و تا اعماق مواقع آنان پیش می رفت، شکست و محرومیت، آوارگی و بیچارگی، در عزم و اراده آهنین او هیچ اثری به جا نمی گذاشت.

برادر مسعود، عقیده داشت: «طارق نه تنها اینکه قادر به اداره جنگ و جبهات جنگی است؛ بلکه او می تواند کشوری را اداره کند.»

او سخنوری بود معجز بیان، نویسنده ای بود توانا، رزمجویی بود مبتکر.

فقدان او از سنگرهای خون و شهادت، ضایعه ای است بس بزرگ و جبران ناپذیر.

روحش شاد و یادش جاویدان باد.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

تدوین»

۱. بقره / ۱۵۶ ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.) «مرکز تدوین»

به مناسبتِ غوغای حلّ سیاسی در افغانستان؛

که در ۶ جدی سال ۱۳۶۵ هجری خورشیدی

صادر شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * در این اوضاعی که هنوز فاجعه دردناک کشتار بی‌رحمانه قشون اشغالگر روسی، در میان ملت زجر دیده ما (افغانستان) ادامه دارد و هر روز ده‌ها جسد کودکان معصوم، پیرمردان از پافتاده، زنان باحیا و عفت و جوانان پاک سرشت میهن در زیر زنجیر تانک‌های گول‌پیکر دشمن؛ نقش بر زمین می‌شود. غُرش هولناک هواپیماهای بم‌افکن و انفجار سهمگین راکت‌های دُورزن و بم‌های ویرانگر، هیولای مرگ را هر آن، در برابر دیدگان غم‌آشنای ملت محروم ما مجسم می‌سازد و در این اوضاع و احوالی که به‌علت تجاوز یغماگران سرخ روسی، سرزمین ما به حمام خون و مسلخ انسان‌های مظلوم تبدیل شده و رنج‌های بی‌پایان، گلوی ملت دردمند ما را به‌شدت می‌فشارد، بار دیگر غوغای حلّ سیاسی، آتش‌بس یک‌طرفه و حکومت آشتی‌ملی و دعوت مهاجرین، دوباره به میهن‌شان به عمل می‌آید.

اگرچه چنین مانورهای سیاسی و فعالیت‌های تبلیغاتی، در گذشته هم به‌صورت یک عمل موسمی غرض تحت تأثیر قرارداد افکار جهانی به نمایش درآورده می‌شد؛ اما این بار غوغا و آوازه آن شدت بیشتری دارد و چنان بر می‌آید که پشت پرده چیزهای

تازه‌ای وجود دارد، تصریحات مکرر زمامداران کرملین^۱ سفر وزیر خارجه دشمن به کابل،^۲ مسافرت معین وزارت خارجه روسیه به پاکستان،^۳ تبلیغات وسیع و گسترده دارودسته پرچم^۴ در کابل، بیانگر جدی بودن بازی جدید می‌باشد.

فعالیت‌های تبلیغاتی به قدری ماهرانه انجام می‌یابد که امیدهایی را ولو خام و کم‌دوام هم باشد، در بسیاری از حلقه‌ها ایجاد کرده‌است؛ اما ملت افغانستان و سنگرداران جهاد، به این

۱. کاخ کرملین مسکو؛ یک قلعه تاریخی است که به صورت مجتمع در قلب شهر مسکو ساخته شده، نام مشهور این کاخ، کرملین است، که به زبان روسی به معنای دژ می‌باشد، کاخ کرملین یکی از زیباترین کاخ‌های جهان در قلب روسیه شهر مسکو است که در قرن پانزدهم ساخته شده است.

کاخ کرملین مثلث شکل، با جهت شمالی دارای ضلع‌هایی به طول ۷۵۰ متر که شامل تعدادی کاخ و کلیسا است این کاخ از چهار قصر، چهار کلیسا، دیوار کرملین و برج‌های کرملین تشکیل شده است. کاخ کرملین از نظر تاریخی، سمبولیک، استراتژیکی و قلب روسیه است. این کاخ در حال حاضر به منظور اسکان رئیس جمهور روسیه استفاده می‌شود. برای معلومات بیشتر به مجله انترنتی «تیک تریپ» برگردید. «مرکز تدوین»

۲. کابل؛ یکی از ولایات مهم حوزه مرکزی و پایتخت افغانستان است که مرکز آن شهر کابل می‌باشد که دارای ۱۵ واحد اداری است. مساحت آن ۴۵۲۳٫۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن به اساس راپور رسمی اداره مرکزی احصائیه؛ در سال ۱۳۹۲هـ ش، حدود ۴۵۳۲٫۹ نفر تخمین شده است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۵۷. «مرکز تدوین»

۳. جمهوری اسلامی پاکستان؛ کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

۴. خلق و پرچم؛ حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخه پرچم را «بیرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را به نام «حزب وطن» تغییر داد، کودتای منحوس هفتم ثور و تجاوز و وحشیانه و ددمنشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد و شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دونیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آنان است. نگاه: کتاب «دسایس و جنایات روس در افغانستان»، از دکتر شیر احمد نصری حق شناس. «مرکز تدوین»

سادگی فریب نخورده و به زبان شاعرشان چنین جواب می‌دهند:

برو این دام بر مرغِ دیگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه^۱

مجاهدین، هدف روس‌ها را در این فعالیت‌های ظاهر فریب چنین تفسیر می‌کنند؛ روس‌ها در طی هفت سال هجوم و ویرانگری و کشتار، به این نتیجه رسیدند که تسخیر افغانستان و تسلیم شدن ملت قهرمان افغان به نیروی آتش و آهن، کار ساده‌ای نیست؛ لذا راه دیگری را باید جست‌وجو کرد؛ تا هدفی را که در میدان جنگ به دست نیامده، در دوران آتش‌بس حاصل کند.

آنان تصوّر می‌کردند؛ چون آتش‌بس اعلان شود، سیلی از مهاجرین و آوارگان دور از کشور، مشتاقانه به میهن عزیزشان رو می‌آورند، گروه‌های بی‌شماری از مجاهدین محروم - که حملات فرسایشی، آن‌ها را خسته و درمانده ساخته - سلاح بر زمین می‌گذارند و به زندگی عادی خویش می‌پردازند و تعدادی از گروه‌هایی که - به‌زعم ایشان - در هوای قدرت‌اند، از پیشکش‌های سخاوت‌مندانه داور دستۀ مزدوران‌شان در کابل استقبال کرده و کرسی‌های لرزان و ننگین رژیم مزدور را در کابل می‌پذیرند و این کار سرانجام باعث ایجاد اختلاف عمیق در میان مجاهدین، گروه‌ها و افراد ملت گشته، مردم به جان هم می‌افتند و آنان نظاره می‌کنند و در نهایت همه نیروهای مقاومت سقوط و از بین رفته و اوضاع برای حاکمیت بلامعارض کِرم‌لین در افغانستان به‌میان می‌آید و این تجربه را روس‌ها در «آسیای مرکزی»^۲ به کار برده بودند - که

۱. دیوان حافظ، غزل شماره ۴۲۸. «مرکز تدوین»

۲. آسیای میانه؛ در میان دورود آمو دریا و سیردریا جای دارد، در منابع کهن‌تر عربی و فارسی «ماوراءالنهر» و در فارسی «فَرارود» گفته می‌شد. اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده‌است؛ اما معمولاً کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و سرزمین‌های دیگری؛ چون: افغانستان، شمال شرق ایران، مغولستان، کشمیر، شمال و غرب پاکستان و گاه سین‌کیانگ در غرب چین و جنوب سایبری در روسیه را نیز شامل آسیای میانه می‌دانند. آسیای میانه بعد از فروپاشی

سرانجام منجر به سقوط مُقاومت و استقرار رژیم روسی در آن سرزمین شد و هرگاه در این زودی‌ها به این هدف نرسند، کم‌ازکم برگشتن برخی از مهاجرین و عده‌ای از افراد فریب‌خورده، مشکل کمبود افراد ملیشه را رفع می‌کند. چه همه اطلاع دارند که مزدوران روسی در کابل به کمبود شدید افراد در اردوی خویش روبه‌رویند و هر تعداد نفری که به آنان بپیوندند، باز هم بخشی از کمبود عساکر را ولسو برای مدت کوتاهی هم که باشد، رفع می‌کند و اگر هیچ نتیجه‌ای در داخل کشور به‌دست‌شان نیاید، در خارج افغانستان اثراتی را به‌جا می‌گذارد و تعدادی از کشورها را که از بیم توسعه جنگ در جهان و تهدید امنیت جهانی در نتیجه حمله روس‌ها بر افغانستان علیه این تجاوز موضع‌گیری کرده‌اند، خوشبین و متزلزل ساخته، فریب روس‌ها را یک اقدام مثبت تلقی کرده و خواهان پذیرش فوری آن از طرف مجاهدین می‌گردند و از همه مهم‌تر، در پناهگاه عمده مهاجرین (کشور اسلامی پاکستان) به‌حیث یک عنصر فشار بالای دولت میزبان در می‌آید و چنانکه شاهدیم دسایس بی‌شماری در پاکستان جریان دارد؛ تا میان مهاجرین و برادران انصاری‌شان در پاکستان، فضای بدبینی ایجاد گردد و به‌زعم روس‌ها، ملت مؤمن پاکستان سرانجام بر دولت خویش فشار وارد، می‌آورد؛ تا مهاجرین افغانی را از کشورشان اخراج و به کشتارگاه روس‌ها در افغانستان تسلیم کند و چنانکه اخیراً نوشته‌ها، مقالات و بیاناتی در این باب در جراید پاکستانی به چشم می‌خورد که حاکی از قبول پیشکش آتش‌بس و اشتراک در حکومتی به‌نام آشتی ملی در کابل است و در گرماگرم این غوغا - که تا هنوز جز حرف هوایی چیز دیگری نیست - خواهان پاداش از کشورهای اسلامی و تقریب سرزمین‌های نفت‌خیز است. گویا با این اعلامیه‌ها، روسیه

اتحاد شوروی سابق در ۱۹۹۱م، کاملاً مستقل و آزاد شدند. نگاه: «آسیای مرکزی و حدود آن»، بهرام امیر احمدیان، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵ (تابستان ۱۳۷۳)، ص: ۳۷ - ۳۸. «مرکز تدوین»

می‌خواهد جهان اسلام را قانع سازد که دیگر زعامت جدید کرملین تغییر سیاست داده و خواهان پایان بخشیدن گذشته‌های ننگین و صحنه‌های خونین یغماگری و تجاوز است و اکنون دارد که عساکر خویش را از افغانستان بیرون می‌راند.

پس کشورهای غنی در جهان اسلام، دست یاری به‌سویس دراز و اقتصاد بیمار او را - که به‌علت شکست روش اقتصادی مارکسیزم^۱ و سیاست تجاوزگرانه هر روز به نوسان تازه‌ای روبه‌روست - از سقوط نجات دهند؛ اما اینکه رنج‌های بی‌پایان ملت زجر دیده افغانستان به کجا می‌رسد و دسیسه‌های اغواگر روسی چه بلا و مصیبت جدیدی را بر فرق این ملت مظلوم می‌کوبد؟! این دیگر به مهارت روسیه مربوط است که هم جهان را بازی دهد و هم این ملت مظلوم را در میان خون و آتش خرد سازد.

این است زیربنای فعالیت‌های جدید و مانورهای نوین روسیه در افغانستان، و الا همه می‌دانند که آتش‌بس پیش از خروج قوای روسی در افغانستان چه دردی را دوا خواهد کرد؟!

قشون خون‌آشام و تا دندان مسلح روس، هر لحظه می‌تواند آتش‌بس یک‌طرفه را به بهانه بیهوده‌ای بشکنانند و قریه‌های ویران و

۱. مارکسیزم؛ مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های «کارل مارکس»، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد. به معنای وسیع کلمه؛ مارکسیزم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس «پلخانف و لنین» اند. علامه شهید سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیسم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به‌خاطر تلقی کردن آن به‌عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد. از ناحیه طرز فکر، عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته‌است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و در کل مارکسیزم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم‌شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیربنا و مایه مباهات آن است - به تدریج به‌شکست مواجه می‌شود» و مارکسیست به کسی گفته می‌شود که طرفدار این اندیشه باشد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱ و نشانه‌های راه، ص: ۱ - ۲. «مرکز تدوین»

خاکسترشده ما را بار دیگر به آتش ببندند. چه کسی ضمانت کرده می‌تواند، تا مانع این عمل آن‌ها گردد؟ و حتی هم‌اکنون در اولین روزهای اعلان آتش‌بس، هواپیماهای گول‌پیکر روس‌ها به شدت بر چندین شهر و قریه حمله کرده و فاجعه‌های دردناکی را به بار آورده‌اند.

مسئله عمده، آتش‌بندی نیست و اگر روس‌ها خواهان پایان دادن جنگ باشند، باید جنگ‌بندی کنند و جنگ‌بندی تا زمان خروج کامل و بلاقید و شرط روس‌ها، متصور نیست. قبول آتش‌بس، در حال حاضر^۱ قشون روسی در افغانستان، مفهوم تسلیم شدن به اهداف تجاوزگرانه روسیه را دارد. اگر روس‌ها نمی‌خواهند که رژیم مزدور خویش را - که علی‌الرغم اراده ملت ما به زور باروت و آهن بر شهریان کابل تحمیل شده است - بار دیگر، زیر فشار و تهدید بر شانه ملت ما بار کنند و بدین وسیله آزادی مردم و استقلال افغانستان را سلب کنند، دیگر برای چه نشسته‌اند؟ در حالی که اعلان می‌کنند که خواهان بیرون‌کشیدن قوای خویش اند و این خود بیانگر نیت شوم روس‌هاست که می‌خواهند کشور ما را برای همیشه در تحت تسلط و فرمانروایی خویش قرار بدهند؛ اما ملت ما بعد از این همه قربانی‌ها، دیگر حاضر نیست به این فاجعه ننگین تن در دهد.

موضوع «آشتی ملی» - که مزدوران روسی آن را عنوان کرده‌اند - نیرنگ دیگری برای استقرار رژیم مزدور روسی در افغانستان است و در طول تاریخ، در جایی که روس‌ها قادر به غصب قدرت نباشند، از راه حکومت‌های ایتلافی تسلط ظالمانه خویش را مستقر می‌سازند و در اوضاع کنونی - که قشون روسی به عنوان

۱. روند گزاره، در گزاره‌های بالایی می‌رساند که واژه «حال» معنای «زمان» را می‌دهد و واژه «حاضر» که نعت فاعلی حضور است معنای وجود را می‌دهد؛ یعنی معنای گزاره این است: در زمان وجود قشون روسی... و یا هم احتمال می‌رود که «با» پیش از قشون، در نوشتار افتیده باشد، که در این صورت جمله چنین می‌شود: قبول آتش‌بس، در حال حاضر، با قشون روسی در افغانستان، مفهوم تسلیم شدن... «مرکز تدوین»

شلاق شکنجه و عذاب به روی سینه ملّت ما زنجیر تانک‌های خود را گذاشته است - چه کسی می‌تواند عنان قدرت را از قبضهٔ آه‌نین آنان، از راه انتخابات آزاد بگیرد و در کدام نقطهٔ جهان، در کشورهای کمونیستی انتخابات آزادانه وجود داشته، که اینک انتظار آن را در افغانستان داشته باشیم؟!

در حالی که روس‌ها در کرملین و مزدوران‌شان در کابل، این هدف شوم خود را پنهان نمی‌کنند، که اصلاً هدف، استقرار رژیم الحادی روسی در افغانستان است و هرکس دیگری که از افراد ملّت در حکومت شریک می‌شود، باید به دنبال مزدوران وطن‌فروش روس‌ها برود و ملّتی که در راه آزادی و استقرار حکومت عدل الهی و استقلال کشورش، بیش از یک میلیون شهید داده، به چنین اسارت ننگین تسلیم‌شدنی نیست.

اگر روس‌ها در اظهارات خویش صادق باشند، شرط اوّل؛ برآمدنِ بلاقید و شرط قشون روسی از افغانستان است و شرط دوّم؛ عدم حمایت مزدوران حقیر بر سرِ اقتدار در کابل است که روس‌ها به خاطر نگاهداشتن این یک مشت هرزه و اوباش، با همه ملّت ما اعلان جنگ و دشمنی کرده، در حالی که اینان هیچ ارزشی نداشته و ملّت ما دیگر به آنان اجازه نمی‌دهد که به سرنوشت کشورشان بازی کنند.

حق تعیین سرنوشت، حق طبیعی ملّت ماست. روس‌ها نمی‌توانند این حق را از ما سلب و برخلاف خواسته و ارادهٔ ما، مشتی از اوباش را بر ما حاکم سازند. اگر روس‌ها به‌راستی در دعوی خویش صادق باشند، افغانستان را ترک گویند و بگذارند ملّت ما دور از تهدید جنگ و وحشت و اختناق و زندان، در فضای صلح و آزادی، انتخابات به عمل آورده و حکومت مورد دلخواه خویش را تشکیل دهند. ملّت ما با خود جنگ ندارد، که آشتی ملّی به میان آورد؛ جنگ ملّت ما با قشون اشغالگر و دلالان

وطن فروشی است که حساب آنان جدا از ملت ماست. اینان اگر خود را جزء این ملت می دانستند، در پیشاپیش قشون اشغالگر برای کشتار ملت ما قرار نمی گرفتند.

بعضی می گویند: «روس ها حکومت آشتی ملی را برای این هدف می خواهند، تا بعد از خروج قوای آنان از افغانستان، مطمئن گردند که در این کشور خانه جنگی به عمل نمی آید.»

تعجب می کنیم، آیا این همه کشتار روس ها و این همه ویرانی ها برای این بود که این تشویش استعماری روسی رفع گردد؟!

آیا روس ها خود نمی دانند، این همه کشمکش های خونین، زاده تجاوز و سلطه گری آنان است؟! روزی که آنان دست از سر ملت مظلوم قهرمان ما بردارند، دیگر فتنه و آشوبی نخواهد بود.^۱ منطق روس ها همان استدلال کهنه و ننگین استعمارگران در طول تاریخ است که به بهانه امنیت و استقرار، تحوّل و تمدن، کشورها را به حمام خون تبدیل کرده و بعد اورنگ قدرت خویش را به روی مجموعه های ملت های محکوم می گذاشتند و نامش را امنیت و استقرار و مبارزه با عقب ماندگی می نهادند.

بعضی ها از سوء نیت و یا جهل و بی خبری، از اهداف شوم تهاجم روسیه، رد پیشنهادهای آنی دارودسته پرچم و روس را از طرف مجاهدین، یک عمل عاقبت نیندیشانه تصوّر می کنند، در حالی که قبول آن در حین موجودیت قوای روسی، تن دادن به یک قتل عام دیگر ملت مظلوم افغانستان و سقوط همیشگی، در کام کمونیزم^۲ و راه را هموار ساختن به پیشروی روس در سایر کشورهای

۱. از همین رو استاد شهید • پیوسته جنگ در افغانستان را ادامه تجاوز روسی بر افغانستان می خواند. «مرکز تدوین»

۲. کمونیزم؛ این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت ها و قیودات خفقان آور اجتماعی محبوس می کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی هایش از دریچه چشم اقتصاد

اسلامی است.

ما هرگز نمی‌خواهیم ملت ما در میان امواج خون شنا کند و یا در دیار آوارگی، به‌عسرت و محرومیت به‌سر برد؛ اما این را هم نمی‌خواهیم که به‌نام امنیت و پایان یافتن دوران در به‌دوری، آزادی و استقلال و آرمان مقدس ملت خود و صدها هزار شهید گلگون‌قبا را در راه تشکیل دولت اسلامی به هیچ قیمتی از یاد ببریم.

ملت قهرمان ما، این همه قربانی‌ها و فداکاری‌ها را برای آن متحمل شد که کشور آزاد و مستقلی را در زیر لوای پر جلال اسلام تشکیل دهد.

روس‌ها و سایر کشورها باید بدانند؛ امنیت و استقرار در افغانستان، تنها از یک طریق به‌میان می‌آید و آن تشکیل دولت اسلامی است که به‌حیث آرمان مقدس، در ضمیر فرد فرد ملت ما جا دارد و دارودسته کمونیست که از حمایت خود عاجزند و برای حفاظت خویش به ده‌ها هزار عسکر روسی نیاز دارند، قادر نیستند که حکومت مستقری تشکیل بدهند و دولت‌های غرب‌گرا و بی‌محتوایی که پایه مردمی نداشته و در زیر سایه دیگری به سر برد؛ در افغانستان انقلابی، دیگر قدرت بقا و استقرار را ندارد. حکومت نیرومند و مستقری را تنها آنان به‌میان آورده می‌توانند که در راه دفاع از آرمان والای اسلامی خویش، جان‌برکف همیشه در سنگر نشسته‌اند. این سنگر نشینان متعهد و هدم‌نند، قادر به تشکیل دولت اسلامی و مستحکم در افغانستان آزاد و مستقل می‌باشند.

نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به‌معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به‌معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ. ش. «مرکز تدوین»

پس به نفع صلح و امنیت منطقه و جهان این است که در افغانستان حکومتی به میان آید که در اعماق دل‌های مردم جا دارد و آن همانا حکومت اسلامی است که در راه رسیدن به آن، ملت افغان متحمل رنج‌های فراوان و قربانی‌های بی‌دریغ گردید. شاید بعضی‌ها استدلال کنند؛ روس‌ها تشکیل چنین حکومتی را نخواهند پذیرفت و از وجود آن احساس خطر می‌کنند؛ ولی ما معتقدیم: برای روس‌ها تنها دوراه باقی مانده: یا قبول حکومت قوی و مستقل اسلامی - که ضامن استقرار صلح و امنیت باشد - و یا قبول حکومت ضعیف و دنباله‌روی که به حکم ناتوانی و نداشتن پایه مردمی، به حیث پایگاه قدرت‌های استکباری رقیب روسیه قرار بگیرد و روس‌ها از یک حکومت مستقل اسلامی کم‌تر احساس خطر می‌کنند؛ تا از یک حکومتی که به حیث یک پایگاه ابرقدرت رقیب باشد و چنانکه می‌بینیم، روس‌ها در دوران «رضاشاه»^۱ با

۱. رضا شاه پهلوی (زاده ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ در آلاشت، سوادکوه، مازندران - درگذشته ۴ مرداد ۱۳۲۳ در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی)؛
 - معروف به رضاخان، رضاخان میرپنج، رضاخان سردارسپه و پس از آن رضاشاه؛
 - نخست‌وزیر ایران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ خورشیدی و پادشاه ایران از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی و بنیانگذار دودمان پهلوی بود؛
 - پادشاهی رضاشاه پایان فرمانروایی قاجاریان و آغاز دوران نظام پهلوی بود؛
 - او در آلاشت سوادکوه به دنیا آمد. وی دوران خردسالی را در فقر گذراند. از نوجوانی به نظام پیوست و مدارج ترقی را پیمود. در کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان تهران را اشغال کردند. رضاخان ابتدا در مقام وزیر جنگ، بسیاری از ناآرامی‌ها و راهزنی‌ها را از بین برد. در ۳ عقرب ۱۳۰۲ رضاخان با فرمان احمدشاه قاجار به نخست‌وزیری گمارده شد و ابتدا تلاش ناکامی در جهت جمهوری خواهی کرد؛ ولی در سال ۱۳۰۴ به پادشاهی رسید. سرانجام در سال ۱۳۲۰، پس از اشغال ایران به دست متفقین، با اولتیماتوم بریتانیا وی مجبور به ترک ایران و واگذاری سلطنت به ولیعهدش شد. سه سال بعد در شهر ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی درگذشت. نگاه: صورت قسم‌نامه قانون اساسی مشروطه و جامعه ایران در دوران رضاشاه از احسان طبری و از سوادکوه تا ژوهانسبورگ: زندگی رضاشاه پهلوی، نجف‌قلی پسیان و خسرو معتضد، نشر ثالث، ۷۸۶ صفحه، چاپ سوّم، ۱۳۸۲. «مرکز تدوین»

اینکه «حزب توده»^۱ به شکلی در ایران^۲ فعالیت داشت، از ژاندارم منطقه تشویش بیشتر داشت، نسبت به تشکیل جمهوری اسلامی. با وجودی که کمونیزم را در ایران ریشه‌کن ساخت، به دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران هرگز اجازه نمی‌دهد روزی به‌حیث پایگاه حمله و تجاوز غرب علیه روسیه استخدام شود؛ اما در زمان شاه، همیشه این احتمال موجود بود.

اما راه سوّمی که افغانستان تحت تسلط روسیه و یا به‌حیث اعمار هرزه روسیه باقی‌ماند، این احتمال را قیام ملت ماقاطعانه رد کرد که خود روس‌ها شاهد آن‌اند، پیش از دیگران. و روسیه هم نمی‌تواند بیست میلیون افغان را یک‌سره نابود کند. البته چون این حالت به‌میان‌آید، دیگر ملت‌های مسلمان چه اینکه دولت‌های‌شان بخواهد و یا نه، در نفیر عام علیه روسیه در سرتاسر جهان اسلام شرکت خواهند جست.

و البته این را هم روس‌ها می‌دانند که ملت مسلمان ما بعد از نجات اشغال نظامی روسیه، هرگز اجازه نمی‌دهد که یک حکومت امریکایی به‌میان‌آید و افغانستان میدان کشمکش ابرقدرت‌ها گردد.

۱. حزب توده ایران سازمان اصلی چپ در تاریخ معاصر ایران است. این حزب به‌عنوان وارث سوسیال‌دموکراسی عهد مشروطه و حزب کمونیست ایران (دهه ۱۹۲۰) در ۱۰ میزان سال ۱۳۲۰ هـ.ش، در تهران تأسیس شد. بنیان‌گذاران آن به (۵۳ نفر) می‌رسد که مشهورترین‌شان عبارت‌اند از: سلیمان میرزا اسکندری، ایرج اسکندری، بزرگ علوی، انور خامه‌ای، احسان طبری، خلیل ملکی، فریدون کشاورز، عبدالحسین نوشین و رضا رادمش بودند که اغلب در دوره رضا شاه تحت پیگرد یا در زندان بودند. این حزب در سال‌های دهه ۱۳۶۰ خورشیدی از فعالیت سیاسی علنی و قانونی در ایران بازماند. نگاه: «اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به‌مناسبت هفتاد و سوّمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران». حزب توده ایران. ۲۰۱۴-۲۰۰۹-۲۲. بایگانی‌شده از نسخه اصلی در ۲۰۱۴-۰۹-۲۵. بازبینی‌شده در ۲۰۱۴-۰۹-۲۵. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری اسلامی ایران؛ در جنوب‌غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

پس قبول حکومت اسلامی یگانه راه حل مشکل کنونی و به مصلحت صلح و امنیت منطقه و جهان است. این سوال که آیا در حال تشت مجاهدین که خواهان تشکیل حکومت اسلامی اند؛ آیا روس‌ها قشون خود را خواهند کشید؟

به نظر ما، اکنون دیگر این تشویش را نباید به خود راه داد؛ زیرا ملّتی که در راه آزادی و پیاده کردن آرمان اسلامی خویش قیام کرد و آمادۀ قربانی‌های بی‌نهایت گردید، دیگر تابع خواستۀ تجاوزگر نبوده و انقلاب خود را در نیمه‌راه نمی‌گذارد.

در طول دوران مبارزات انقلابی، خواستۀ هیچ استعمارگری نبوده که آرمان مبارزین و آزادی‌خواهان را تحمّل کند؛ اما ادامه مبارزات انقلابی سرانجام استعمارگران را به قبول ارادۀ ملّت‌ها آماده ساخته است. سنگرداران ما هم در ادامه راه خویش به سوی ملّت خود می‌بینند؛ نه به خواستۀ روس‌ها و در عین حال، ادامه جنگ از هر لحاظ دیگر به نفع روسیه نیست، مصرف چهار میلیون دالر سالانه در جنگ برای اقتصاد بیمار روسیه، بار سنگین و کمرشکنی است. اگرچه نظر به اعتراف یک‌تن از افسران روسی، مصرف جنگ را در روسیه از راه تاراجگری گاز و مواد خام کشور ما تأمین می‌کنند؛ اما باز هم به عقیدۀ ما، این مصرف سنگین به آسانی جبران نمی‌شود. شکست سیاسی روسیه در جهان - که هر روز ابعاد تازه‌ای می‌یابد - تحمّل آن هم ساده نیست، مشکلات روزافزون در داخل روسیه که در نتیجه جنگ در افغانستان به میان آمده است، تهدید جدّی را متوجه امنیت داخلی روسیه ساخته است و با ادامه جنگ، این مشکل بزرگ‌تر می‌گردد.

تجاوز روسیه در افغانستان مانع بزرگی در برابر تقویت روابط سیاسی و اقتصادی روسیه با جهان اسلام و حتّی کشورهای غیر متعهد است.

شکست و رسوایی عده‌ای از احزاب کمونیست و سوسیالیست

طرفدار روسیه در برخی از کشورهای جهان، این‌ها همه مشکلاتی‌اند که با ادامهٔ جنگ، بیشتر می‌شوند و روسیه نمی‌تواند فقط به‌خاطر حمایت یک مشت افراد هرزه و منفور حزب کمونیستِ حاکم، این همه مشکلات کمرشکن را متحمل گردد و هدف پیشروی روسیه از راه افغانستان در اوضاع کنونی، دیگر از بین رفته و به ناکامی روبه‌رو شده و تنها کاری که فعلاً روسیه در تلاش آن است، حمایت مزدوران و دوام تسلط غیرمستقیم در افغانستان است که تحقق و موفقیت آن، اکنون خیلی‌ها مشکل و طاقت‌فرسا گردیده‌است. تنها یک راه برای روسیه مانده تا صفحهٔ جدیدی از روابط هم‌جواری را با ملت مسلمان و انقلابی افغانستان باز کرده و واقعیت خروشان انقلاب اسلامی افغانستان را بپذیرد؛ اما مسئولیت ملت ما در این مقطع از تاریخ انقلاب، خیلی‌ها سنگین‌تر از آغاز کار است و معمولاً در هر انقلابی؛ دو مرحلهٔ آن خیلی‌ها مشکل است:

یکی آغاز انقلاب؛ یعنی در آن حال که انسان انقلابی با دست خالی در برابر هیولای مهیبی از رنج‌های بی‌نهایت و مشکلات کمرشکن قرار می‌گیرد و در آن حالی که بی‌یار و یاور است و امواج تند و سرکش، تشویش‌ها و اضطراب و صخره‌های سخت و مشکل، در مسیر راهش قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیری کار ساده نیست و چون به کار آغاز می‌کند و انقلاب جوانه می‌زند، دست‌های ناپاک دشمنان از هرسو دراز می‌شود؛ تا آن را از ریشه برکنند.

پس حمایت انقلاب در آن دوران، به پاسداری شبانه‌روزی متداوم و هوشیاری و فداکاری همه‌جانبه نیاز دارد؛ هم‌چنین زمانی که انقلاب به ثمر می‌رسد؛ بار دیگر خوف و هراس دشمنان شعله‌ور می‌گردد و با هرچه در توان دارند، به مقابله بر می‌خیزند و هر تیری را که در جعبه دارند شلیک می‌کنند و هر حيله را که در سر دارند به کار می‌بندند و همین اکنون انقلاب شکوهمند اسلامی ما - که از میان امواج خروشان خون‌شهیدان گل‌گون‌قبا و دریای اشک

ز جردیدگان محروم؛ راه خود را به سوی پیروزی باز کرده است - بار دیگر در برابر چلنج خطرناکی قرار گرفته است. در این مرحله نیاز به هوشیاری کامل و مُقاوَمَت سرسختانه^۱ دارد، کم‌ترین اشتباه و بی‌پروایی، مایه شکست و منحرف شدن اهداف و آرمان ملت مؤمن ما می‌گردد. امیدوارم سنگرداران غیور ما در سنگرهای فخرآفرین شان و مهاجرین صابر و بااستقامت ما در دیار محرومیت هجرت و آوراگی و همه ملت ما در همه جا که هستند، امانت عظیم انقلاب خود را حفظ و در این آزمون بزرگ پیروز گردند.

۱. هوشیاری و استقامت در مُبارزه را در «چه نوع مبارزه» استاد شهید W بخوانید. «مرکز تدوین»

به مناسبتِ آغاز دورِ دوّم نشراتِ جریدهٔ مجاهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همان طوری که سنگرنشینان تاریخ ساز کشور با شلیک مسلسل ها و آتش بارهای شان حماسه می آفرینند و با حملات قهرمانانه شان چون صاعقه بر سر دشمن نازل شده و صفوف آنان را تار و مار و بنیان کفر و استبداد را به شدت کوبیده و ویران می سازند؛ مجاهدان روشنگر، نیز در سنگر قلم، دل ظلمت ها را می شگافند و ملت انقلابی و مؤمن خود را در نشیب و فراز انقلاب خونبار کشور، رهبری و هدایت می کنند و با افشای جنایات خصم خون آشام، دام تزویر دشمن را بی کار و نابود ساخته، کنگره ستمگران را به لرزه در می آورند.

به راستی پیکارگران مؤمن، با قلم و شمشیر، کتاب و مسلسل، هر دو مُبارزه می کنند. جهاد امت اسلامی ما فقط مُبارزه یک بُعد نظامی نیست، این مُبارزه همه گیر، همه ابعاد نظامی، فرهنگی و تشکیلاتی را شامل است.

اهمیت قلم در قاموس مُبارزه اسلامی، کم تر از شمشیر نیست. همین اهل فکر و قلم اند که نسل های انقلابی را تربیت و کتیبه های ایمان را به سوی سنگرهای گرم سوق می دهند.

چه شیوا فرموده است رهبر انسائیت، پیامبر گرامی { که در روز قیامت خون شهدا و سیاهی قلم علمای برحق و نویسندگان روشننگر - که راه حق و هدایت را به مسلمانان نشان می‌دهند - یکجا و برابر وزن می‌شوند^۱ و مسلمان به زبان و قلم خویش، جهاد و مبارزه می‌کنند، همان‌طور که به شمشیر جهاد می‌کند. عظمت و اهمیت قلم و اهل آن را از آنجا می‌توان دریافت که پروردگار توانا در قرآن مجید - که راه‌گشای همه اسرار هستی است - به قلم سوگند یاد کرده می‌فرماید:

﴿لَنْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾^۲

این قلم؛ همانا قلمی است که به‌دست قلم‌داران مؤمن و متعهد قرار دارد - و بشریت سرگشته و حیران را به ساحل نجات رهبری می‌کند؛ نه آن غداران قلم‌به‌دستی که مردم را به‌سوی گمراهی و ضلالت و لجنزار فساد و ویرانگری و تباهی سوق می‌دهند.

امیدوارم «جریده مجاهد»^۳ با نشر مجدد خویش، در بخش آواز رسای سنگرهای تاریخ‌ساز کشور، در بیداری و رهبری ملت مؤمن ما سهم بارز و ارزنده و سازنده خود را ادا و خلایی را - که به‌علت تعطیل آن از نشر ایجاد شده بود - پُر سازند.

خداوند متعال به برادران انقلابی و جوان و همیشه‌درسنگر توفیق عنایت فرماید؛ تا تشنگان معنویت را از تراوش‌های فکری نویسندگان دردمند و انقلابی سیراب گردانند و سیمای واقعی

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿یوزن حبر العلماء و دم الشهداء﴾ کنز العمال/ ۲/ ۲۸۹۰۲ و احادیث دیگری هم هست که شبیه اولی است. همانند این حدیث مبارک: ﴿یوزن يوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء، فیرجح مداد العلماء علی دم الشهداء﴾ نگاه: جزء ابن عمشلیق شماره حدیث ۱۴ و مفصل این بحث را می‌توان در کتاب المحاضرات و المحاورات جلال‌الدین سیوطی از صفحه ۳۱۳ به بعد در مکتبه الشاملة خواند. «مرکز تدوین»

۲. قلم / ۱. (نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند). «مرکز تدوین»

۳. جریده مجاهد (هفته‌نامه مجاهد) در سال ۱۳۵۷ هـ.ش، توسط رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی • تأسیس گردیده است. «مرکز تدوین»

سنگرداران قهرمان و دستاوردهای رستاخیز اسلامی را - که به همت این ابرمردان والاهمت به‌میان آمده - به کمال امانت مُعرّفی نمایند و پرده از روی وحشت قشون خون‌آشام روسی و جنایات کاخ‌نشینان کِرم‌لین بردارند.

خداوند همهٔ ما را در خدمت به انقلاب ملّت زجرکشیده و مظلوم توفیق بخشد.

به فرماندهان، مجاهدین و ملت مسلمان و

قهرمان افغانستان.

مؤرخ؛ ۱۳۶۷/۲/۷ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَيِّمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

برادران مجاهد! مهاجران دور از میهن و همه افراد ملت مؤمن
کشور!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

وبعد:

اکنون که به لطف بی‌پایان پروردگار و آن‌گاه به همت والای
شما سنگرنشینان قهرمان، ثبات و استقامت و فداکاری همه افراد
ملت حماسه‌آفرین مان، خصم خون‌آشام با شکست و رسوایی
عقب‌نشینی اختیار کرده و - إن شاء الله - هرچه زودتر صحنه را
ترک و راه فرار را در پیش خواهد گرفت.

در چنین اوضاع و احوالی که از یک طرف پیروزی‌های بزرگ و
تاریخی نور امید بر دل‌ها می‌تابد و از جانبی ظهور دسایس شوم و
سنگین از افق تاریک و ظلمانی دسیسه‌گران توجّه همه ما را به خود

۱. قصص / ۵. (و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، منت
نهمیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.) «مرکز تدوین»

جلب می‌کند. لازم می‌دانم مطالب ذیل را در میان بگذارم:
 نخست؛ از همه با اظهار سپاس و شکران به پیشگاه رب الجلیل،
 این پیروزی عظیم را به همه شما مبارکباد گفته، امیدوارم که نصرت
 الهی، تا سرکوبی آخرین جرثومه‌های جنایت و تجاوز و تشکیل
 دولت عدل اسلامی شامل حال ملت جهادگر و مؤمن‌مان باشد و
 چنان‌که همه می‌دانیم، این پیروزی عظیم و این فتح مبین، به بهای
 اندک به‌دست نیامده؛ این پیروزی بهای خون صدها هزار شهید
 گلگون‌قبایی است که با عشق شهادت در راه آزادی میهن اسلامی و
 برقراری دولت عدل الهی، جان‌های شیرین خویش را نذرانه تقدیم
 کردند.

این پیروزی، حاصل رنج‌های فراوان آن آوارگان جدا از میهن
 است که در دیار دیگران با وضع رقت‌بار همراه با کودکان پابرنه و
 عریان و خانواده‌زار و افسرده‌شان در اردوگاه‌های حرمان و بیچارگی
 منت‌کش ناکسان و محتاج هر سفله و بی‌مایه شده‌اند و چه شب‌ها
 که از گرسنگی تا صبحدم بیدار مانده‌اند و چه روزها که در گرمی
 سوزان به سراغ جرعه آبی در بادیه‌ها و بیابان‌ها به راه افتاده‌اند.

این پیروزی ثمره خون آن شهیدان مظلوم و گمنامی است که
 شب و روز سلاح بر دوش، غم کشور در سر و نور ایمان بر دل
 در کوه و برزن، بر صخره‌ها و دشت‌ها و دره‌های میهن به‌دنبال
 بیرون‌راندن یغماگران افتاده و از همه‌جا از کوه و دره و دشت و
 صحرا دشمن را بیرون رانده و خود یا به روی صخره‌ای و یا به زیر
 درخت سوخته‌ای غرق در خون، چشم از جهان بسته است.

حال مرحله نخستین انقلاب که از میان اشک و خون، راه خود
 را باز نمود و به پیروزی رسید؛ اما هنوز منزل به پایان نرسیده است،
 نقش پای دشمن تا هنوز باقی است، دولت عدل الهی - که میراث
 خون شهیدان گلگون‌کفن ما و آرمان والای مادران داغ‌دیده و
 رزم‌آوران حماسه‌آفرین و خواسته همه افراد ملت ماست - تا هنوز

به دست نیامده است؛ لذا مبارزات ما تا به اهتزاز در آمدنِ دَرَفَشِ شکوهمند اسلام بر کوهپایه‌های آسمان بوس مان ادمه خواهد یافت و برای رسیدن به این آرمان بزرگ، کارهای زیادی هست که باید انجام داد، موانع بی‌شماری را باید از مسیر راه دور کرد.

ادامه این راه به اراده آهنین، ثبات و پایداری نیاز دارد، چه بسا از افرادی، که در نیمه راه از پا در می‌افتند و قادر نیستند تا پایان کار در سنگر دفاع از آرمان والای امت خویش باقی مانند.

بعضاً هوی و خواسته‌های نفس، مانع پیشروی و ادامه مبارزه می‌گردد، چنان‌که در روزهای نخست انقلاب، چه بسا کسانی که در نیمه راه ماندند و یا به بیراهه رفتند، جهاد با خاصیت گهرسنجی‌ای که دارد، صفوف رزم‌جویان صادق را از مدعیان کاذب جدا می‌سازد:

﴿لَيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۱

آری؛ مدعیان دروغین انقلاب قادر نیستند، با رنج‌های فراوان پنجه نرم کنند و راه دور و پر از درد و رنج انقلاب اسلامی را تا نهایت همراهی کنند.

﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ..﴾^۲

اگر منزل کوتاه می‌بود، با تو همراهی می‌کردند؛ اما چون راه دور شد، از نیمه راه برگشتند.

۱. انفال / ۳۷. (تا خدا ناپاک را از پاک جدا کند و ناپاک‌ها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند، آن‌گاه در جهنم قرار دهد، اینان همان زیانکاران اند.) «مرکز تدوین»

۲. توبه / ۴۲. ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْمِلُونَ بِاللَّهِ لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (اگر مالی در دسترس و سفری [آسان و] کوتاه بود، قطعاً از پی تو می‌آمدند؛ ولی آن راه پر مشقت بر آنان دور می‌نماید و به‌زودی به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می‌توانستیم، حتماً با شما بیرون می‌آمدیم، [با سوگند دروغ] خود را به هلاکت می‌کشاند و خدا می‌داند که آنان سخت دروغگویند.) «مرکز تدوین»

برادران سنگرنشین!

در گذشته‌ها، همه هم و غم‌تان، مقابله و سرکوبی دشمن تجاوزگر بود، اکنون و بعد از خروج کامل تجاوزگران، بار دیگر سروکارمان با غداران ملحد و بی‌وطن داخلی خواهد بود. اینان اگرچه یارای مُقاومت را ندارند؛ اما سخت هرزه و مکارند. این یاران دَجّال و هم‌کیشان ابلیس، با مکارگی و نیرنگ، فتنه‌ها برپا خواهند کرد و تجاوزگر ستم‌پیشه هم، چون مار زخم‌خورده نیز از سَم‌پاشی و زجر و آزار ملّت ما دریغ نخواهد کرد؛ تا مدتی این جنگ افروزان مزدور، شعله‌های جنگ ویرانگری را چون تجاوزگران روسی ادامه می‌دهند؛ اما سرانجام نابود شده و به سختی شکست می‌خورند و برای اینکه هرچه زودتر به این فاجعه خونین خاتمه داده شود، وظیفه جهادگران مؤمن ماست که نکات ذیل را به‌خاطر داشته باشند:

۱- قرارداد ژنو که در غیاب اراده ملّت صورت گرفته‌است، از نظر ما مردود بوده، ملّت ما در برابر مواد و فیصله‌های آن خود را متعهد نمی‌داند؛

۲- حق تعیین سرنوشت و ادامه جنگ و قبول صلح، مربوط به ملّت ماست، به دیگران حق نمی‌دهیم، به‌عنوان قیّم و سرپرست در امور سرنوشت‌ساز ما مداخله کنند؛

۳- معاهده ژنو ضامن صلح در افغانستان نبوده؛ بلکه وثیقه ادامه جنگ و تجاوز است. چه عنصر عمده تجاوز - که همانا بقای رژیم جنگ افروز و مزدور است - هنوز سقوط نکرده و به حال خود باقی‌است؛

۴- اگر روس‌ها به راستی خواهان صلح در افغانستان باشند، پس بعد از امضای قرارداد ژنو و ضمانت‌های بین‌المللی دیگر، اصرارشان در ارسال اسلحه به جنگ افروزان ملحد و غدار در افغانستان برای چیست؟

اگر دیروز مدعی بودند که جهت دفع تجاوز موهوم خارجی به افغانستان - لشکرکشی کرده‌اند، دیگر امروز بعد از ضمانت‌های بین‌المللی عدم تجاوز، سلاح کشنده خویش را برای چه به افغانستان ارسال می‌دارند، جز برای کشتار مردم بی‌دفاع افغانستان دیگر چه هدفی دارند؟

۵- با قرارداد ژنو، روس‌ها می‌خواهند که به مزدوران خویش اعتراف رسمی کشورها را کسب کنند و این مشقت مزدور و غدار را علی‌الرغم اراده ملت‌ها بر کشور حاکم سازند؛ اما این حیلۀ دیگر از کار افتاده‌است، چه با این نیرنگ و یا حیلۀ دیگری [اگر] بر شمار کشورهای که این دار و دسته غدار را به رسمیت بشناسد، افزوده [هم] گردد، تصمیم ملت ما را در سرنگونی آن تغییر نمی‌دهد؛

۶- جنگ در افغانستان با قرارداد ژنو آغاز نشده، که با فیصلۀ دیگران منقطع گردد. جنگ به علت تجاوز خارجی و مداخله در امور کشور ما آغاز شد و تا زمانی که مداخله وجود دارد، ادامه خواهد یافت؛ لذا با هیچ نیرنگی نمی‌توان سلاح را از دست جهادگران مؤمن اخذ و به زمین گذاشت؛

۷- با امضای معاهده ژنو، تبلیغات گسترده علیه جهاد و مجاهدین به راه افتاده و گسترش خواهد یافت، هدف این تبلیغات در خارج از کشور به محاصره‌کشاندن ملت مجاهد ما از لحاظ سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی است و در داخل و به ارتباط مهاجرین، فریب‌دادن و اغواکردن برخی از عناصر ناآگاه‌است؛ اما دیگر نه ملت‌های جهان به آسانی فریب می‌خورند و نه هم ملت مظلوم ما - که سال‌هاست با نیرنگ و حیلۀ دجالان آدم‌کش آشنا شده‌است - و جزئی‌ترین اشتباهی در این مرحله مهم و تاریخی از انقلاب کشورمان جبران‌ناپذیر خواهد بود؛

۸- تشدید اختلاف گروهی، لسانی و نژادی از جمله برنامه‌های خطرناک و تباهکن دشمن است که در این دوره‌ای از انقلاب

به شدت دامن زده می شود؛ لذا با هوشیاری - که خاصه جهادگران مؤمن است - مانع گسترش اختلاف و ریشه کن ساختن آن ها باید شد؛

۹- چون به تاریخ مبارزات مسلمانان در آسیای مرکزی نظر اندازیم، در می یابیم که در دوره اوج گیری مبارزات مسلمانان، روس ها از حيله های مختلفی استفاده کرده اند، تشدید اختلاف، پرداخت پول، وعده انتقال قدرت های ایالتی و محلی به قومندانان و گروه های شامل جهاد و مقاومت و در نتیجه تجرید آنان از همدیگر و سرانجام نابود ساختن همه و تسلط کامل بر همه سرزمین ها، این نیرنگ نباید در کشور ما تکرار گردد؛

۱۰- برنامه خطرناک تقسیم شمال از پیکر جنوب کشور و انتقال مرکزیت اداره کشور از کابل به ولایات شمال، خطرناک ترین بازی استعماری است که در گذشته ها چنین نیرنگ ها را روس ها در آلمان،^۱ کوریا،^۲ ویتنام،^۳ به کار بسته و یک ملت واحد را دو پارچه و یا چندپارچه کرده اند؛ لذا بایست با قاطعیت هرچه تمام تر با این

۱. جمهوری فدرال آلمان؛ کشوری در قاره اروپاست. مساحت آن ۳۵۷۰۲۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۸۱۶۴۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن یورو، زبان رسمی آن آلمانی و پایتخت آن شهر «برلین» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

۲. کوریا؛ عبارت از یک منطقه جغرافیایی است که در شرق آسیا موقعیت دارد و در سال ۱۹۴۸ م، به دو کشور کوریای جنوبی که کشوری دموکرات و کوریای شمالی که کشوری کمونیستی بود، تقسیم شد. برای معلومات بیشتر در مورد کوریا به این جاها برگردید: ، بروس. کوریا مکان تحت الشمس، نورتون، ۱۹۹۷. ISBN ۰-۳۹۳-۳۵۵۱-۴. و وی. آرکان، مایکل. «تجزیه کره». در جنگ کره. ویرایش تاریخ جهان. ققنوس، ۱۳۸۷. ۳۳-۳۵. «مرکز تدوین»

۳. جمهوری سوسیالیستی ویتنام؛ کشوری است که در جنوب شرق قاره آسیا موقعیت داشته و یکی از بیشترین رشدهای اقتصادی را در منطقه دارد. پایتخت این کشور شهر «هانوی» است. در قرن ۱۹ فرانسه این کشور را مستعمره خود کرد که سرانجام در سال ۱۹۴۵ م، ویتنام استقلال خود را به دست آورد و پس از استقلال ویتنام به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم و نظام کمونیستی در شمال و نظام غیر کمونیستی در جنوب این کشور حاکم شد. برای آگاهی بیشتر به «اطلس جامع گیتاشناسی» مراجعه شود. «مرکز تدوین»

دسیسه مُبارزه کرد.

هرگز ملت ما اجازه نخواهند داد، مشتی از مزدوران کثیف از نقاط مختلف کشور فرار کرده، در شمال متمرکز گردند، یا در آنجا دولت کمونیستی خویش را پایه‌گذاری کنند؛

۱۱- در جهت مقابله با این همه دسایس، بر جهادگران حماسه‌آفرین ماست که به تنظیم مجدد صفوف خویش پردازند، چه دور از امکان نیست، در آغاز که همه هوش و عقل سنگرنشینان متوجه درهم‌کوبیدن اردوی سرخ بود، به خود زیاد نمی‌اندیشیدند و چه بسا که در صفوف عناصر ناجور، رخنه کرده و آنان در اوضاع کنونی و در این مرحله سرنوشت‌ساز، ضربت خاینانه‌ای را بر صفوف مجاهدین وارد آورند؛ البته پاک‌سازی خیلی زیرکانه و مجدّدانه به عمل آید و از عجله و عدم دقت در کارها - که به دنبال خود حسرت و ندامت دارد - پرهیز گردد؛

۱۲- توحید جبهات کوچک و ضم ساختن آن‌ها در فرماندهی بزرگ به سطح ولسوالی‌ها^۱ و ولایات و تشکیل شورای حوزه‌ای چند ولایت، امری است حتمی. دیگر نمی‌توان اردوی ضربتی اسلامی را حفظ استقلال و جدایی دسته‌های خُرد و گروه‌های کوچک به سطح قریه‌جات و یا علاقه‌داری‌ها تشکیل و انسجام بخشید، پافشاری به بقای استقلال‌گرایی‌ها در سطح قریه‌ها و ولسوالی‌ها، اکنون دیگر مخالف مصلحت جهاد و مانع بزرگ بر سر راه پیروزی نهایی است؛ تا زمانی که به اتفاق سایر گروه‌های مجاهد، وحدت سرتاسری نظامی به میان نیاید، امید دشمن در سرکوبی جبهات جهادی ما قطع نمی‌گردد.

سپاهیان سنگرنشین اسلام مربوط به «جمعیت اسلامی افغانستان» مکلف‌اند که در تشکیلات ولایتی و حوزه‌ای به‌صورت عاجل بسیج گردند؛

۱. شهرستان‌ها. «مرکز تدوین»

۱۳- تبلیغات گمراه‌کننده دشمن و حلقه‌های ناآگاه چنین جریان دارد که با خروج قشون روسی، گروه‌های مجاهد بر سر احراز قدرت چنان با هم درگیر می‌شوند که لبنان^۱ دیگری در افغانستان به میان می‌آید. برای رد این توهم، بر همه فرزندان صادق و باتقوای کشور است که در آخرین مراحل پیروزی اجازه ندهند، دسایس جنگ افروزان باعث ایجاد کشمکش‌های میان مجاهدین گردد؛ لذا هر منطقه‌ای که از وجود اشغالگران پاک می‌شود، به اشتراک گروه‌های دیگر و یا به صورت - مستقل، اگر گروه دیگری در منطقه نباشد - اداره محلی تشکیل گردد؛^۲

۱۴- تشکیل شوراهای مشترک جهت اداره امور در اوضاع کنونی، موضوع حیاتی و مهم است؛

۱۶- زعامت آینده کشور بعد از خروج قوای روسی از طریق انتخابات آزاد و مستقل صورت می‌گیرد.

دیگر دوره‌های استبداد، انحصار و حکومت‌های خاندانی سپری شده است؛ نه خارجیان زعامت آینده افغانستان را ساخته می‌توانند و نه می‌توان قدرت را به زور از ملت غصب کرد.

یقیناً خارجیان نمی‌توانند زعيم افغانستان را تعیین کنند؛ البته می‌توانند جاسوس و نوکر انتصاب کنند و تنها ملت است که پیشوا و رهبر خود را انتخاب می‌کند؛

۱۶- ایجاد اختلاف در میان مهاجر و مجاهد، سنگر نشینان و کارمندان دفاتر، بخش خطرناک دیگری از دسایس در اوضاع کنونی است.

۱. لبنان؛ در غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن لیره لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»

۲. این خود گوشه‌ای از همان فراسمت مؤمنانه، حضرت استاد شهید • است، که عدم رعایت آن، در بعدها، چه فتنه‌ها که به بار نیاورد. «مرکز تدوین»

ملت ما، مهاجران و مجاهدان و آن که در صف اول مشغول پیکار است و آن که در صف دوم در خدمت سنگر قرار دارد، همه برادر و شریک راه و هم‌سنگرند و هرکس در پیشگاه الهی نظر به صدق و اخلاص نیت و عملش، اجر و پاداش داشته، مقام و منزلت دارد.

برادران مهاجر!

ای آنانی که در سنگرهای خون و شهادت شهید و کشته دادید و بعد از به آتش کشیده‌شدن و ویرانی خانه و کاشانه‌تان، آواره و مهاجر شدید. در دیار غربت رنج‌های بی‌نهایت را متحمل شده، با محرومیت‌ها، دربه‌دری‌ها، افسردگی‌ها، روبه‌رو شدید و چه بسا از کودکان نوعمر، پدران و مادران سال‌خورده‌تان در گرمی سوزان از تشنگی جان دادند و چه بسا کودکان‌تان که در میان وادی‌های برف‌گیر در دوره هجرت در آغوش مادران جان دادند و چه بسا که مادری توان حمل کودکش را از میان دره‌های صعب‌العبور نداشته و جگرگوشه‌اش را زیر صخره گذاشته و چند قدم به پیش حرکت کرده؛ تا پناهگاهی سراغ نماید؛ اما سرانجام پیش از آنکه مأوایی بیابد، جدا از فرزند، نقش بر زمین شده و هردو بدرود حیات گفته‌اند.

این تراژیدی‌های غم‌انگیز را سال‌هاست که در زندگی پر از درد و رنج‌تان متحمل می‌شوید.

اکنون تو ای مهاجر عزیز! که یاد میهن محبوب، دلت را اندوه‌بار و دیده‌ات را اشک‌بار می‌سازد، حال وارد مرحله جدیدی از امتحان بزرگ هجرت و جهاد شده‌ای، دسیسه‌گران می‌خواهند از راه قرارداد ژنو، پیش از آنکه به هدف و آرمان بزرگت رسیده باشی، دست بسته تو را به جلادان بی‌رحم تسلیم کنند، شاید مزدوران سرخ در میان کمپ‌ها دست به تشویق و تهدید بزنند، باغ‌های سرخ و سبزی را برایت نشان دهند و کشان کشان تو را به حمام خون و

کشتارگاه کمونیسم سوق دهند. خیلی‌ها هوشیار باشی، کمونیستان ملحد، بی‌رحم و مزدورند.

استالین در دورهٔ حملهٔ هتلر^۱ به روسیه، از همه مسلمانان خواست به دفاع برخیزند و بعد از شکست آلمان سرزمین‌های‌شان آزاد و حق تشکیل دولت‌های مستقل اسلامی را خواهند داشت؛ اما بعد از شکست هتلر، کشتارگاه‌ها در انتظار مسلمانان بود، دیگر خبری از آزادی و استقلال در میان نبود. مسلمانان جرمی بود که کم‌ترین جزایش اعدام فوری.

اکنون که روسان و مزدوران‌شان در سنگر شکست خورده‌اند، عبای ناکسان را در بر کرده‌اند؛ اما این یک نیرنگ زودگذر است. پس تا زمانی که این دارودستهٔ مزدور سقوط نکرده و امنیت اسلامی در کشور برپا نشده، فریب این دجالان را مخورید، تاریخ حرکت و وقت عودت به کشور را همه با هم یکجا انتخاب می‌کنیم و تا روز موعود، از تصمیم‌گیری‌های جداگانه سخت بپرهیزید، چه مطابق به هدایت پیامبر:

﴿...فَإِنَّهُ مَنْ شَدَّ شَدَّ فِي النَّارِ﴾^۲

۱. آدولف هتلر؛ رهبر حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی) بود، وی در ۲۰ اپریل ۱۸۸۹م، به دنیا آمد، او بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵م، صدر اعظم آلمان و از ۱۹۳۴م، به بعد، هم‌زمان در مقام پیشوای رایش آلمان بزرگ نیز حکومت کرد، هتلر به‌عنوان یک کهنه‌سرباز نشان‌دار جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰م، به حزب نازی پیوست و در سال ۱۹۲۱م، به ریاست آن رسید، او در سال ۱۹۲۳م، به‌خاطر شرکت در کودتایی نافرجام معروف به «کودتای آبجوفروشی مونیخ» به تحمل ۵ سال زندان محکوم شد و در همین زمان کتاب «نبرد من» را نوشت، او پس از آزادی از زندان با ترویج اندیشه‌های ملی‌گرایی، ضد کمونیستی، یهودستیزی و ایراد سخنرانی‌ها بر ضد پیمان ورسای، حامیان بسیاری در کشور آلمان به‌دست آورد و در سال ۱۹۳۳م، به مقام صدراعظمی رسید، سرانجام در ۲۹ اپریل ۱۹۴۵م، در روزهای پایانی نبرد برلین با «اوا براون» که برای سال‌های طولانی معشوقهٔ او بود، ازدواج کرد و در ۳۰ اپریل؛ یعنی یک روز پس از ازدواجش به همراه همسرش خودکشی کرد. نگاه: نبرد من، اثر معروف هتلر. «مرکز تدوین»

۲. المستدرک علی الصحیحین للحاکم، المجلد الأول، شمارهٔ حدیث: ۳۹۶. «مرکز تدوین»

(کسی که از صفوف مسلمانان جدایی اختیار می‌کند، تنها در آتش دوزخ انداخته می‌شود.)

دشمن دیگر یارای مُقاومت را ندارد، هم‌اکنون با پخش خبر عودت، قوای روسی پا به فرار گذاشته‌است؛ تا حال چندین ولسوالی و مراکز به‌دست مجاهدین سقوط و ادارهٔ جهادی در آن‌ها تشکیل شده‌است.

حزب «خلق و پرچم» به کاسهٔ کهنه و شکسته‌ای می‌ماند که با پتره^۱ قشون روسی چند روز باقی مانده و با دور شدن این پتره و پیوند، کاملاً از هم فرو می‌پاشد. پس به هیچ حرف و عمل آن ارزشی نباید داد.

پیام ما به آن عده از هم‌میهنان و کارمندان دولت و آنانی که روی مشکلی، قادر به هجرت و یا سهم‌گیری مستقیم در جهاد نشدند، این است. همه افراد ملت ما در طرد رژیم کمونیسم و ناکام‌ساختن پلان شوم اشغالگران با هم شریک‌اند. ما می‌دانیم؛ اگر استادان پوهنتون^۲ و لیسه‌ها^۳ و مکاتب، مانع پخش اندیشه‌های کمونیسم نمی‌شدند، اگر کارمندان دولت در دوران روسی‌ساختن کشور دست به کارشکنی نمی‌زدند، اگر افسران و افراد اردوی کشور مانع تعمیق پلان‌های تجاوزگران نمی‌شدند، اگر عدهٔ زیادی از افراد امنیتی با مردم همکار نمی‌بودند، اگر کسبه‌کاران و سایر اقشار ملت در راه ناکامی روسان و مزدوران‌شان با مجاهدین همکاری نمی‌کردند، امروز وضع کشور غیر آنچه می‌بود که با آن روبه‌رویم و دشمنان در روسی‌ساختن میهن عزیز ما موفقیت‌هایی به‌دست می‌آوردند؛ که به‌علت سهم‌گیری همه افراد ملت در راه آزادی و مُقاومت با اشغالگران و مزدوران وطن‌فروش، برنامه‌های دشمن ناکام شد.

۱. پتره: بند و پیوند. «مرکز تدوین»

۲. دانشگاه. «مرکز تدوین»

۳. دبیرستان. «مرکز تدوین»

سهم‌گیری طبقات مختلف مردم در پهلوی مجاهدان حماسه‌آفرین، آن‌قدرها افتخارآمیز بود که تاریخ کشور هرگز این صحنه‌ها را فراموش نمی‌کند.

قیام تکبیرگویان کابل، راهپیمایی خواهران جان‌برکف در برابر اشغالگران سفاک و جسدهای خون‌آلود آن خواهرانی که سینه‌های خویش را سپر گلوله ساخته و نفرین و خشم عمیق ملت را در برابر اشغالگران روسی ترجمانی می‌کردند، از جمله صحنه‌های تاریخی و فراموش‌ناشدنی در مبارزات ملت مسلمان و قهرمان ماست؛ لذا مجاهدین سر به کف - که برای حفظ دین، دفاع از ناموس کشور و آزادی میهن عزیز، به‌پا خاسته و دشمن را شکست داده‌اند - از مبارزه همه برادران و خواهران خویش در شهرها و ارگان‌های دولتی به قدردانی یاد می‌کنند.

در دوران حکومت اسلامی مجاهدین - که حکومت شما مسلمانان آگاه کشور است - دروازه‌های علم و معرفت به‌روی همه باز خواهد شد.

افغانستان کانون تقوی و فضیلت، مهبط علم و دانش و خانه صلح و آرامش خواهد شد.

هم‌میهنان عزیز!

مطمین باشید، حکومتی که توسط برادران مجاهدتان تشکیل می‌گردد، حکومت همه شماست. حکومت همه مسلمانان رنج‌دیده، روشنفکر، وطن‌خواه، آزادی‌دوست و همه مردان و زنان مؤمن و دل‌سوز کشور، این حکومت حق، عدالت، انصاف و برادری است. حکومت علم و دانش، اخلاق و نکویی است.

در این چنین حکومت اسلامی، بایست همه با هم دست‌به‌دست یکدیگر بدهیم، کشور ویران خود را آباد کنیم، غبار استبداد و محرومیت‌ها را از چهره ملت زجرکشیده خویش بزداییم و زنجیرهای اسارت فکری و سیاسی و همه انواع عبودیت غیرالله را

از دست‌ها و دل و دماغ مردم خویش دور سازیم.
 دیگر افغانستان در عقب‌ماندگی، لکهٔ ننگ تاریخ باقی نخواهد
 ماند، دیگر ملت بیچاره در زندان فقر و محرومیت و حق‌تلفی،
 شکنجه نخواهد دید، دیگر تبعیض و امتیازات ناروا - که باعث
 ایجاد نفرت و بدبینی‌ها می‌گردید - ناپدید خواهد شد.
 بیایید در راه رسیدن به این آرمان عالی و هدف بزرگ، از
 خداوند یاری بطلبیم و یکدیگر را کمک و یاری کنیم.
 ﴿إِنَّهُ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ قَرِيبٌ﴾

به مناسبتِ سالِ جدید ۱۳۶۳ هجری شمسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران رزمنده و قهرمان!

ملت در خون خفته افغان!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

سال نو و بهار دیگری از بهاران خون و شهادت بر شما مبارک باد! از آن روزگاران که قیام تاریخ ساز شما - در جهت پاک سازی دشمن غدار و متجاوز و مزدوران حقیر و ذلیل شان از دره های شاداب و وادی های سرسبز، دشت ها و دمن زر خیز میهن عزیز - آغاز شد، آمد آمد بهار، جلوه دیگری دارد. آنجا دیگر تنها لاله های صحرا هستند که بر «فرش زمردی» بهاران، عبای سرخ هموار کنند، خون شهیدان گلگون قبای تان همه جا به روی صخره و بستر گل های بهاری به چشم می خورد. پارچه های سرخ و سبز همیشه در اهتزاز بر مزار شهیدان، سراسر کشور ویران تان را به همیشه بهار تبدیل کرده است؛ اما نه بهار گل و بلبل.

دیگر در دوران بهار، کشور جایگاه نوای بلبل و جولانگاه گل نیست. غُرَش توپ های غول پیکر و نهیب هواپیماهای ویرانگر دشمن، گوش ها را می خراشد، به جای نسیم صاف و رورح پرور

بهارى، دود غلیظ باروت، افق‌ها را تیره و تار ساخته‌است. دیگر کودکان معصوم با هم‌سالان خویش به‌روى مَرغزارهای کشورشان، مستی و بازی ندارند؛ بلکه در میان موج خونِ پدران و مادران‌شان می‌غلطند. به‌جای خنده، آه و اشک و جای زمزمهٔ شادی را فریاد و ناله گرفته‌است.

یاد این صحنه‌های رقت‌بار و دردانگیز، قلب لاله را داغدار و چشم فلک را اشک‌بار و دل افق را خونین و وجدان انسانیت را بی‌قرار ساخته‌است و تنها این جلّادان جنایتگر روس و لشکریان خون‌آشام‌اند که از این صحنه‌ها لذت می‌برند؛ اَمَّا تَابَهُ كَيْ؟ ﴿۱﴾ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿۲﴾^۱ یعنی زود است که ستمگران بدانند که چه سرنوشت شومی در انتظار آن‌هاست.

برادران رزمنده و مؤمن!

سالی که گذشت، مانند دیگر سالیان، دوران قیام خونین‌تان خاطره‌ها تحویل حافظهٔ تاریخ گردید و شاهد صحنه‌هایی بودیم، صحنهٔ شهادت گرامی‌ترین احباب، شاهد ویرانی‌ها و آتش‌سوزی‌های وحشت‌بار، آوارگی‌ها و دربه‌دری‌ها و در عین حال شاهد حماسه‌آفرینی جاویدان، شاهد ثبات و استواری بی‌نظیر در سنگرهای عقیده و شرف، پیروزی‌های چشم‌گیر و شاهد افتضاح و رسوایی هرچه بیشتر دشمن بودیم.

برادران قهرمان، در سنگرهای عقیده و ایمان!

در سال جدید هم، به امید نصرت و یاری خداوند، ثبات و استقامت خود را در سنگرهای افتخارآفرین حفظ کنید؛

۱. الشعراء / ۲۲۷. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، یاری خواسته‌اند و کسانی که ستم کرده‌اند، به‌زودی خواهند دانست، به کدام بازگشتگاه برخوانند گشت.) «مرکز تدوین»

هماهنگی، نظم و انسجام بهتر در صفوف خویش ایجاد کنید؛
توطیه‌های دشمن را - که می‌خواهد در صفوف رخنه پیدا کند - در
نطفه خنثی کنید؛

بر محرومان و مردم زجرکشیده کشور بیش از پیش مهربان‌تر
گردید؛

دست ترحم بر چهره زعفرانی کودکان یتیم برکشید و عصای
توانای دست پدران قدخمیده‌ای شوید که بار سنگین رنج‌ها،
کمرهای‌شان را خم کرده است.

همه مسلسل‌ها را به سوی سینه‌های کثیف دشمن شلیک کنید؛
عناصر فریب‌خورده را هدایت و بی‌خبران و بی‌خردان را که
ناآگاهانه در خدمت خصم خون‌آشام قرار می‌گیرند، دل‌سوزانه
رهنمایی کنید؛ به آن عده از مردم و کارکنان دولت مزدور که به
حکم مجبوریتهای اجتماعی و اقتصادی در مراکز تحت تسلط
دشمن باقی مانده‌اند، عطف و مهربان باشید. آن‌ها نیروهای ذخیره
و قوای احتیاط انقلاب‌اند. اگر از میان مزدوران فریب‌خورده کسانی
توبه کنند و به صف مردم بپیوندند، به جرم گذشته اذیت و آزاری
نبینند، چه شما فرشتگان رحمت و هدایت‌اید، رسالت شما هدایت
و رهبری است، نه اذیت و انتقام.

خداوند دشمن رسوا را رسواتر سازد و به پیروزی سپاهیان
اسلام بر ارتش جنایت‌کار روسی، همه چشم‌ها را روشن و دل‌ها
را شاد گرداند.

۵۸

به مناسبتِ سالروز سیاه شش جدی سال

۱۳۶۴ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ
الَّذِينَ اصْطَفَى؛^۱ اما بعد:

هم وطنان مظلوم! مجاهدین مؤمن! آواره‌گان راه خدا!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

«۶» سال از هجوم قشون تجاوزگر روس در میهن عزیز ما می‌گذرد. در این دوران، اردوی خون‌آشام سرخ از ارتکاب هیچ‌نوع جنایتی دریغ نکرده، ده‌ها و شهرهای شما را ویران، مزارع و کشت‌زارهای تان را به آتش کشید. سیلابی از خون کودکان بی‌گناه و پیرمردان بی‌دفاع و جوانان غیورتان جاری ساخت و برای نابودی شما ملت قهرمان، از هر وسیله‌ای استفاده کرد. بمب‌های آتش‌زا، مواد کیمیای و زهرناک را به‌روی شما استعمال کرد. سلاح مهلک و خطرناک و ویرانگر خود را استخدام کرد. کودکان معصوم‌تان را دزدید و به کشور آدم‌گشان و سرزمین جلادان (روسیه شوروی)^۲

۱. به‌نام خداوند بسیار مهربان و بسی بخشنده * ستایش خدا راست و بس و درود بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»

۲. این اصطلاح عبارت کامل آن، «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» است. به کشوری گفته می‌شد که پس از پیروزی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ م، به‌دست «لنین» بنیان نهاده شد و در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ م، رسماً منحل گردید و جمهوری‌های آن به پانزده کشور مستقل تقسیم شدند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۶۵. «مرکز تدوین»

فرستاد. جوانان تان را به زور به کشتارگاه‌ها و سلول‌های زندان‌های جهنمی خود گسیل داشت؛ تا بدین وسیله روحیهٔ مُقاوَمَتِ شما را تضعیف بخشد. دستگاه‌های دروغ‌پراکنی و وسایل اغواگری‌اش، ظالمانه تلاش کرد، تا مانع پشتیبانی ملّت‌های جهان از جهاد برحق شما گردد؛ اما اکنون که ۶ سال از جنایت شرم‌آورش می‌گذرد، نتوانسته بر ارادهٔ قوی و نیرومند شما - که از سرچشمهٔ توانای ایمان قوّت می‌گیرد - خللی وارد کند.

با این همه وحشت و جنایت، دشمن را با عزم راسخ و ایمان قوی درهم کوبیدید و به جهاد خویش ادامه دادید، ضربات کوبندهٔ تان را بر پیکر پلیدش وارد کردید، اگرچه از میان شما هم، رزمندگان باایمانی به درجهٔ رفیع شهادت نایل گشتند؛ اما ضربات شما به دشمن سنگین‌تر بود.

برادران مجاهد!

ما یقین داریم، شما تا غلبهٔ حق بر باطل و بیرون راندن قوای اشغالگر به جهاد خستگی‌ناپذیر خویش ادامه خواهید داد!

باثبات و استواری - مطابق به فرمان الهی که می‌فرماید:
﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾^۱ - (دشمنان خدا را بکشید، خداوند ایشان را به‌دست شما عذاب می‌کند و رسوا می‌سازد و شما را بر ایشان پیروز می‌گرداند و سینهٔ مؤمنان را شفا می‌بخشد.)

یعنی به مؤمنان اطمینان و سکون اعطا می‌کند.

اکنون ملّت‌های مسلمان در همه‌جا چشم به‌سوی شما دوخته و گوش به اخبار شما داده‌اند، سرنوشت آیندهٔ جهان اسلام به جهاد شما وابسته است، پیروزی شما زنجیرهای اسارت را درهم می‌شکند و غبار مُذَلّت را از چهرهٔ امت اسلامی ما می‌زداید.

پس ای ناجیان ملّت‌های مسلمان! هوشیار باشید که امانتِ

بس بزرگی را خداوند بر دوش شما گذاشته؛ امانتی که بر شانه آسمان‌ها و زمین سنگینی می‌کرد:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ...﴾^۱

(ما این امانت را بر آسمان‌ها و زمین پیش کردیم، از برداشت آن سر باز زدند و از حمل آن ترسیدند و انسان این امانت را به شانه کشید...)

در صفوف فشرده، به جهاد خویش ادامه دهید و نفوذ عناصر مزدور و دشمنان اسلام را در میان صفوف‌تان اجازه مدهید! سرانجام شما پیروز می‌شوید:

﴿...إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۲

امیدواریم به همت والای شما ابرمردان تاریخ، دشمن، رسوا به رسوایی شکست خورده و حکومت عدل الهی در کشور عزیز، قایم گردد.

خداوند یار و مددگارتان باد.
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

۱. احزاب / ۷۲. ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند؛ و [لی] انسان آن را برداشت، راستی او ستمگر نادان بود.) «مرکز تدوین»

۲. محمد / ۷. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید [خدا هم] یاری‌تان می‌کند و گام‌های‌تان را استوار می‌دارد.) «مرکز تدوین»

به مناسبتِ آغاز سال نو ۱۳۶۵ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

برادران مجاهد! مهاجرین آواره و هموطنان گرامی و غیرتمندا!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!

آغاز سال جدید و بهار دیگری از بهاران خونین میهن قهرمان
و به خون خفته افغانستان را در حالی به شما تبریک می‌گوییم که
انقلاب خون‌بار اسلامی ما به یاری خدای منان^۱ و یمن نیروی
ایمان و همت بازوان توانای شما ملت غیور و مؤمن، غرور و نخوت
استکبار جهانی شرق را درهم شکسته و روند پیروزمندانه خود را
به‌سوی پیروزی، با سرعت برق آسا و خیره‌کننده‌ای طی می‌کند.

هشت سال کامل است که شما مردم مسلمان و دلاور، با
قبول همه رنج‌ها و مشقت‌ها و تحمل اندوه و ماتم، از دست‌دادن
بهترین عزیزان خود و حضور همه‌جانبه در سنگرهای افتخارآفرین
و قربانگاه‌های مباحثات‌بخش، بزرگ‌ترین حماسه‌ها را در تاریخ
بشریت به‌وجود آورده‌اید و رشادت و سلحشوری خود را به جهان

۱. آل عمران / ۱۳۹. (و اگر مؤمن‌اید، سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید.)

«مرکز تدوین»

ثابت ساخته‌اید.

امروز دشمن تجاوزگر، پس از گذشت هشت سال از وحشیگری و ارتکاب جنایات هولناک خویش، به اثر استقامت و پایداری شما مردم باایمان، در همه ابعاد اعم از: سیاسی و نظامی شکست قاطع خورده و نیروهای خون‌آشام پکت ننگین ورشو، با آن همه تجهیزات پیشرفته و وسایل جنگی بی‌شمار، در برابر اراده متین و عزم راسخ شما ملت فداکار به زانو درآمده است و یارای مقاومت و مصاف با شما شیردلان قوی‌پنجه را ندارد.

کشته‌شدن هزاران روس جنایت‌کار، سرنگونی ده‌ها فروند هلیکوپتر و جت جنگی، انهدام صدها دستگاه تانک و خودرو نظامی و نابودگشتن چندین انبار و کاروان‌های نظامی دشمن به‌دست پرتوان شما رزمندگان دلیر در یک روز، حماسه‌هایی است که چشم تاریخ در حادثه‌آفرینی‌های ابنای بشر نظیر آن را ندیده و دو جانب متخاصم در بزرگ‌ترین جنگ‌های جهانی، چنین خسارات و ضایعاتی را متحمل نگردیده است.

اگر کتله عظیمی از بهترین فرزندان و عزیزان خود را در نبرد با تجاوزگران روسی از دست داده‌اید، خانه و کاشانه شما به اثر بمباران‌های وحشیانه و استعمال سلاح‌های دوربرد و ویرانگر جنایت‌کاران تاریخ ویران گردید و بر اثر شکنجه‌های روحی و جسمی کمونیستان آدم‌خوار متحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها شده‌اید، این‌ها همه ابتلا و آزمایش خداوندی بود که به‌علت غفلت و ضعف اعتصاب مسلمین، به حبل‌المتین اسلامی پدید آمده بود و پس از آنکه همت کردید و کمرهای خویش را در راه خدا و در جهاد فی‌سبیل‌الله بستید، خداوند قدم‌های شما را ثابت گردانید و بر بازوان شما قوت و توانایی بخشید و دشمن شما را ذلیل و زبون ساخت:

﴿وَلَنَلْكَ الْآيَاتُ نُدَٰوِلَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ

مِنْكُمْ شُهَدَاءٌ...﴿۱﴾

به حکم قرآن کریم، این سنت خداوندی است که اگر به شما مصیبتی موهبت فرمود، مصیبت‌های دشمن را چندین برابر ساخت. شما که به خاطر رضای خداوندی و اعلائی - کلمه‌الله - رایت جهاد را برافراشتید و به قربانی و فداکاری در راه به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی خویش به پا خاستید، خداوند^۱ غلبه و نصرت خویش را بدرقه راه شما ساخت، دشمن نیرومند شما را درهم شکستاند و آن را در همه ساحات به اقتضاح کشاند.

اکنون از برکت جهاد پیگیر و مبارزات بی‌امان شما ملت مسلمان و قهرمان، دشمن چنان ضربات جبران‌ناپذیری را متحمل گشته که دیگر توان رزمی و قدرت رویارویی با شما پیکارگران باشاهمت را ندارد.

ترس و وحشت، سراسر وجود آن را فرا گرفته و عزت و آبروی نداشته آن، برباد رفته است. دیگر ادعاهای کاذبانه آن در اظهار پشتیبانی و حمایت از کارگران و دهقانان و ملت‌های محروم و مستضعف، بی‌اثر گشته و ترفندهای شیطانی و توطئه‌های پس‌پرده آن در جهت اغوای ملت‌های دربند ستم جهان، قدرت کاربرد خود را از دست داده و نقاب از چهره ستم‌کارانه و ماهیت خون‌خوارانه آن برداشته شده و همه جهانیان به رسوایی و روباه‌صفتی آن پی برده‌اند و ملت‌های در قید سلطه کمونیزم آگاه و بیدار گشته‌اند و همین اکنون در حال تشکل و قیام و مبارزه علیه این غول وحشی در روسیه و کشورهای اقمار آن قرار دارند و جهانیان به‌زودی شاهد واژگونی

۱. آل‌عمران / ۱۴۰. ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند، معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.) «مرکز تدوین»

این نظام استبدادی و نابودی کرمین نشینان خواهد بود.
این همه از برکت ایمان عمیق شما ملت سلحشور افغان به
ایدیولوژی رهایی بخش اسلام و تمسک شدید شما به رسن متین
الهی و پایداری و استقامت شما در جهاد فی سبیل الله می باشد که
مصادق فرموده قرآنی:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱

قرار گرفته اید و خداوند چنین پیروزی هایی را نصیب شما
ساخت و عزّت و عظمت شما را پس از سال ها ذلّت و زبونی و
عقب ماندگی به شما باز گرداند.

پس بر شماست که با شدّت هر چه تمام تر به حبّ المّتين
اسلامی تمسک ورزید؛

بر کمیت و کیفیت جهاد اسلامی خویش بیفزایید؛
به دستورات خداوند عمل کنید و جز در روشنائی دین خدا
به راه دیگری قدم مگذارید؛ به توطیه های شیطانی و دسایس حل
سیاسی و فریب کاری های دشمن توجّه نکنید و به راه خویش ادامه
دهید و بدانید که آزادی، عزّت و شرف، رفاه و سعادت دنیا و آخرت
در اسلام عزیز است و بس.

امیدوارم سال جاری، سال پیروزی نهایی انقلاب اسلامی
افغانستان و سال تحقّق حاکمیت همه جانبه اسلام بر میهن قهرمان
ما باشد.

خداوند شما سپاهیان غیرتمند اسلام و شما ملت ایثارگر و
مؤمن را به این آرمان والا موفق گرداند.

۱. آل عمران / ۱۳۹. ترجمه معانی آیت مبارکه گذشت. «مرکز تدوین»

﴿..وَاللّٰهُ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾^۱
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

برادرتان برهان الدین ربانی

۱. حج / ۷۸. ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ (و در راه الله چنان که حق جهاد [در راه] اوست، جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است، آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید، او مولای شماست، چه نیکو مولایی و چه نیکو یاورى.) «مرکز تدوین»

۶۰

به مناسبتِ حلولِ سالِ نو ۱۳۶۶ هـ ش و

هشتمین بهارِ خنّین میهن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از یورش قشون ویرانگر روس، این هشتمین بهار خونین است که به جای نسیم روح بخش بهاری، بوی خون به مشام ملّت ما می‌رسد و به جای فرش زُمرّدین سبزه‌زارهای بهاران، قبای لاله‌گون خون شهیدان بر دشت و هامون کشور ما دامن گسترده‌است.

در طول این دوران خون‌بار، ملّت مظلوم ما، از همه زیبایی‌های موسم بهار و طبیعت دلکش میهن محبوب خود محروم گشته‌است. فصل بهار در کشور هم، دیگر آن شادابی سالیان قبل از جنگ را ندارد؛ چه جباران جنگ افروز کِرم‌لین، باغ و زاغ، مرغزارها و گلزارهای کشور ما را، همه سوخته و خاکستر کرده‌اند؛ اما ناگفته نباید گذشت، اگر ملّت ما از جمال بهار کشور محروم شد، هرگز احساس یأس و محرومیّت نمی‌کند؛ چه در گُل زمین جهاد و شهادت، از جلال و جمال ایمان، در حد کمال بهره‌مند است.

آن جوانانی که دیروز در کوه و برزن، به دیدار گل و لاله می‌رفتند، اکنون در سنگرگاه عقیده و ایمان، جمال بهشت برین و صفای روح بخش رضای یزدان را احساس می‌کنند.

با رسیدن بهار، سالی را با همه خاطره‌های تلخ و شیرین،

پدیده‌های الهام‌بخش و عبرت‌انگیزش پشت‌سر گذاشتیم، اعمال زشت و زیبای ما در حافظهٔ تاریخ و دفتر داوریِ عدل الهی ثبت شد، اکنون بار دیگر اگر زنده ماندیم، در برابر ابتلای الهی و آزمون تاریخ قرار خواهیم گرفت.

در سالی که گذشت، رستاخیز اسلامی ما، در ابعاد سیاسی و نظامی، دستاوردهای عظیم و تاریخی را به‌جا گذاشت، سنگ‌نشینان مؤمن، حماسه‌ها آفریدند و تلفات سنگین بر نیروهای دشمن تجاوزگر وارد آوردند، خسارات دشمن در قوای هوایی و زمینی‌اش خیلی‌ها سنگین بود، بالا رفتن تلفات هوایی دشمن در شش ماه اخیر سال گذشته، از جملهٔ اخبار پرسر و صدای حوادث جنگی سال بود، درهم‌کوبیدن تعدادی از پایگاه‌های مهم هوایی و فتح پادگان‌های عمده و برچیدن عدّهٔ زیادی از پوسته‌های دشمن، از پیروزی‌های چشمگیر سال گذشته بود.

موضع‌گیری واحد سیاسی گروه‌های جهادی در ارتباط به هیاهوی بی‌محتوای آشتی ملی و آتش‌بس، قدم مؤثر و پربهایی در بُعد سیاسی بود که نیرنگ دشمن حيله‌گر را افشا و بی‌اثر ساخت؛ اما دشمن هم در سال گذشته در جبهات جنگی وحشت و بیداد را از حد گذشتاند.

از کشتگان زجرکشیدهٔ ملت ما، کله‌منارها ساخت و خاک‌توده‌های ویران کشور را ویران‌تر کرد؛ اما آزاده ملت ما، چون کهساران باصلابتش ثابت و استوار ماند، کشتار و ویرانگری‌های دشمن اثری بر رستاخیز تند و ستم‌برانداز ملت ما نگذاشت.

دشمن مکار و مزدور، همزمان با آدم‌کشی و غارتگری، به شعبده‌بازی‌های جدید آغاز کرد، غوغای بی‌محتوای آتش‌بس و آشتی ملی سر داد و خُرس خون‌آشام، قبای کبوتر صلح را پوشید و وعده داد هرچه زودتر قشون خون‌آشامش را از سرزمین خون و شهادت افغانستان بیرون می‌کشد و دیگر غُرش توپ‌ها، خاموش و

صدای رگبار انفجار بم‌های ناپالم^۱ و آتش‌زا، پیام مرگ و ویرانی را به گوش‌ها نخواهد داد، [بنابراین] احساس خوشبینی‌ها و خوشباوری‌ها در همه‌جا ایجاد شد، آوازه صلح‌خواهی جلادان کِرم‌لین در خاور و باختر بالا گرفت، فریب‌خوردگان باخترزمین را که بینش و دانش، شعور و عواطف انسانی را در پای کمپیوتر و آهن‌های سرد نثار کرده و خود عاری از همه چیز، حتی از عاطفه و شعور، قضاوت و بینش انسانی، در برابر صفحه کمپیوتر نشست‌اند و نظاره می‌کنند که در جهان معاملات مادی و معامله‌گری‌های سیاسی‌شان چه نفعی بر می‌دارند؟ و از چه دری خساره متحمل شده‌اند؟ در این کشورها، دیگر نیرنگ‌های روسی در بازار بورس لندن^۲ و پاریس^۳، خریداران شتابزده یافت و فریاد بلند شد که نباید این فرصت گران‌بها را از دست داد، اکنون که روس‌ها صلح و آشتی می‌خواهند، دیگر مجاهدین چه می‌خواهند؟!

بلادرنگ باید با شعار صلح‌خواهی روس هم‌صدا شد و دعوت آشتی ملی را پذیرفت و باید آوارگان، بار و بسترها را ببندند

۱. ناپالم ماده آتش‌زا و بمب محتوی نوعی ترکیب مایع، ترجیحاً بنزین است با اکتان ۸۰ و یکی از پودرهای ام ۱ یا ام ۲ یا ام ۹، که پس از پرتاب و برخورد به هدف، ماده ژلاتینی تولید کند و با شعله و حرارت زیاد بسوزد. این بمب آتش‌زا مخلوطی از عامل حجم‌دهنده بنزین با اکتان بالا نفت و یا موادی از این دست و موادی با گرانیروی بالا مانند صابون و یا مواد ژلاتینی و یا هر ماده مشابه دیگر است. ناپالم بمبی وحشتناک برای نیروهای پیاده می‌باشد چرا که تا جسم قربانی را به طور کامل نابود نکند، خاموش نمی‌شود و به دلیل داشتن ترکیباتی از صابون و مواد ژلاتینی حتی بر روی آب هم به سوختن خود ادامه می‌دهد. این بمب مرگبار نخستین بار در سال ۱۹۴۲م، با یک تیم به رهبری استاد شیمی دانشگاه هاروارد (لونس) در یک آزمایشگاه مخفی در ماساچوست توسعه داده شد. در ابتدا این بمب به جهت استفاده بر روی ساختمان‌ها و بناهای بتنی دشمن طراحی شد؛ اما پس از مدت زمان کوتاهی به سلاحی مرگبار برای نفرات پیاده دشمن تبدیل شد. در ۴ جون ۱۹۴۲م، اولین آزمایش در زمین فوتبالی در نزدیکی مدرسه بازرگانی هاروارد انجام شد. تست در شرایطی رخ داد که افراد محلی آن را محکوم می‌کردند. نگاه: مجموعه واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان فارسی تا پایان سال ۱۳۸۹. Convention on Certain Conventional. «مرکز تدوین»

۲. پایتخت کشور انگلستان. «مرکز تدوین»

۳. پایتخت کشور فرانسه. «مرکز تدوین»

و راهی کشور خود شوند و رزمندگان سلاح را بر زمین گذارند و منتظر فرمان‌های بعدی کرملین باشند، که از پشت این پرده نیرنگ و سالوس، چه پیام دیگری فرا می‌رسد؟!

همه جا را خوشبینی و خوشباوری فرا گرفت، باختر و ساز و برگ مادی و قضاوت‌های سرد و ماشینی‌اش را در جای خود می‌گذاریم، به کشورهای برادر و جهان بی‌غم‌باش‌ها و دنباله‌روان آن‌ها در کشورهای اسلامی سر می‌زنیم.

ساحران حيله‌گر و مزدور روسی در سرزمین‌های ایمان (کشورهای اسلامی) نیز خوش‌باوران بی‌خبر از همه چیز را یافتند و تبلیغات گمراه‌کن‌شان، گوش‌های شنوایی پیدا کرد. ملامت‌گران - که خود سراپا ملامت‌اند - لب به ملامتی جهادگران مؤمن گشودند و نصیحت‌های پدران‌ه کردند که نباید حسن‌نوازی‌های روس را نادیده گرفت؛ اما در این میان، در گرماگرم این شعبده‌بازی‌ها و چشم‌بندی‌ها، تنها کسی که در دام تزویر نیفتاد و از روز اول این همه حرف‌های پوچ و هرزه را رد کرد، سنگرنشینان آگاه و مؤمنی بود که ماهیت سیاه و مزدور روس را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که این همه وعده، جز فریب و نیرنگ چیز دیگری نیست، همان بود که آواز رسای سنگرها، این همه طلسم‌ها را شکست، سلاح را بر زمین نگذاشت و اعلان کرد، تا سایه سیاه و خونین غارتگران سرخ از میهن عزیز ما رخت سفر بر نهند، در کشور امنیت و صلح دوباره بر نخواهد گشت.

حرف و قضاوت راستین و پیش‌گویی درست سنگرنشینان، زمانی تحقق پذیرفت که جهانیان در آن حال که همه گوش و متوجه مذاکرات غیرمستقیم بودند، به رأی‌العین دیدند که پیام‌آوران کاذب صلح - که در ژنو بساط صلح و مذاکره را هموار کردند - درست در همان ایام، با کشتارهای گسترده‌شان در افغانستان و در این سوی

مرز، در «پاراچنار»^۱ و «میران‌شاه»^۲ سیلاب خون را جاری نموده و دنباله‌اش هم در اولین روزهای نوروز، ویرانی و قتل عام‌تری در «منگل» بود. دیگر اکنون، شاید نیرنگ‌های شعبده‌بازانِ کرملین بار دیگر جهان را فریب ندهد.

کرملین‌نشینان حيله‌گر و تماشاگران بی‌خبر از فاجعه خونین کشور را در خیال خودشان و در جای‌شان می‌گذاریم و به‌سوی خود می‌آییم.

به راستی در سالی که گذشت، زدوبندها و سنگربندی‌ها و سنگ‌اندازی در میان تنظیم‌های جهادی ادامه داشت، ورق‌پاره‌های تبلیغاتی علیه یکدیگر به نشر سپردند، از موضع‌گیری‌های یکدیگر انتقادهای جور و ناجوری کردند؛ البته تاریخ و نسل‌های امروز و فردای کشور در مورد این عملکردها قضاوت خواهد کرد.

از کشمکش‌های بین‌تنظیمی که بگذریم و از خانه خود خبر بگیریم، در سالی که گذشت، در حالی که سنگرنشینان حماسه‌ساز «جمعیت اسلامی» در جبهات کفرستیز و دشمن‌شکن خویش حماسه‌ها آفریدند، افتخارات عظیمی به‌جا گذاشتند. نورهای امید را در دل‌ها به درخشش درآوردند، در میان دفترنشینان دور از سنگرمان، نه گرمی سنگر بود و نه هم عمق احساس به سرنوشت ملت و کشور، به شب‌نشینی‌ها در جهت تخریب یکدیگر، فراکسیون‌سازی‌ها، عیب‌جویی‌ها، همه کار و کمال و هنر بسیاری از افراد خانه ما بود. صد دفتر عیب علیه یکدیگر گفتیم و اما متوجه

۱. پاراچنار یا پاره چنار؛ شهر نظامی و پشتون‌نشین در شمال‌غرب پاکستان است که در حدود بیست کیلومتری مرز افغانستان موقعیت دارد. پاراچنار در دره سرسبز واقع شده و جاده‌ای که از این شهر به افغانستان می‌رود، از دره پایه‌وار و گردنه گرم (در شمال‌غربی شهر) می‌گذرد. علت نام‌گذاری آن را وجود درختان کهنسال چنار یا سکونت قبیله پارا یا پاره در پیرامون چنار بزرگی در آن‌جا می‌دانند. «مرکز تدوین»

۲. میران‌شاه؛ شهری است در شمال پاکستان و در ۳۰۰ کیلومتری جنوب‌غربی اسلام آباد پایتخت کشور پاکستان موقعیت دارد، این شهر مرکز فرمانداری وزیرستان شمالی در مناطق قبیله‌ای فدرال است. «مرکز تدوین»

یک عیب خود نشدیم. انقلابی بودن و اصالت انقلابی در میان برخی از افراد ما این بود که هرچه بیشتر غیبت کنیم و به دنبال عیب دیگران بگردیم.

سلسله این فاجعه دردناک تا پایان سال گذشته ادامه داشت. اکنون که در آستان سال نوی هستیم، همه در انتظارند که چه برنامه و ابتکاری را تنظیم‌های جهادی روی دست دارند و چه گام‌های سرنوشت‌سازی را در جهت پیروزی انقلاب و خنثی ساختن توطیه‌های خصم مزور بر می دارند؟!

در این اوضاع حسّاس، نمی‌سزد که مانند سالیان گذشته باز، برخی از تنظیم‌های جهادی همه دار و ندار خویش را در جهت صف‌آرایی علیه دیگران به کار بندند، در سال جاری، باید طرح نو و ابتکار جدیدی ایجاد کرد؛ تا طلسم نیرنگ و سالوس دشمن در جبهه سیاسی و تبلیغاتی درهم شکسته و نابود گردد.

مسئولین دل‌سوز و آگاه در انقلاب، نباید اجازه دهند توطیه اعاده پادشاه مخلوع - که سر و صدایش را روس‌ها و منابع نزدیک به آن به راه انداخته‌اند - تزلزلی را در پیمان تاریخی رهبران جهاد ایجاد کند، طومار رژیم شاهی با همه ابعاد سیاه و ظلمت‌زایش، دیگر پیچیده شده و نمی‌توان بعد از این قربانی‌های بی‌دریغ، در انتظار آن روزهای مصیبت‌بار افتاد، که اشتباهاتش ملت زجرکشیده ما را با این فاجعه خونین و رنج‌های بی‌پایانش دست و گریبان ساخت.

بازتاب ارداه ملت را در سنگرهای خونین باید جست‌وجو کرد؛ نه در نیرنگ‌های فاجعه‌آور دشمنان دین، ناموس و میهن.

شکی نیست که نابسامانی‌های فراوان و کمبودهای وسیعی در سطح اداری و سیاسی جهاد وجود دارد؛ اما وجود این نابسامانی‌ها نباید باعث داواری‌های غلط در مورد دستاوردهای عظیم انقلاب گردد.

هستند کسانی که تنها عیب‌های انقلاب را بر می‌شمارند و از این راه، یأس و ناامیدی را بر دل‌ها مسلط می‌گردانند و با یادآوری ابعاد منفی دوران جهاد، بر زشتی‌های حکمروایان پیشین پرده می‌اندازند.

در چنین اوضاع و احوالی می‌باید، عناصر مؤمن و مخلص در تنظیم‌های جهادی، بیشتر احساس مسئولیت کرده و به اصلاح خویش و عملکردهای خود پردازند.

ادامه سنگربندی‌های غیراسلامی در جبهات و اشاعه پراکنی و تبلیغات در دفاتر تنظیم‌ها علیه یکدیگر، راه را برای پیاده‌کردن توطیه‌های دشمن هموار ساخته و پیامدهای فاجعه‌آوری را به دنبال خواهد آورد.

امید است تجارب تلخ و زیان‌آور گذشته تکرار نگردد، هم‌بستگی و پیوند عمیق برادری در سنگرهای خونین، ایجاد محبت و اخوت در میان تنظیم‌های جهادی بر سنگرها و سنگرنشینان، قوت و اطمینان می‌بخشد و بر دل‌های مأیوس ملت زجر دیده‌ما نور امیدی می‌تابد.

رزمندگان مؤمن در سنگرهای حماسه‌آفرین جمعیت!

امیدوارم مانند همه‌ساله، تقوی و طهارت، شعار و سلوک همیشگی شما باشد. اتکا به پروردگار یکتا در همه چیز و همه جای، سرچشمه قوت و توانایی جهادگران مؤمن است.

سنگرنشینان قهرمان ما به نظم و اتحاد هرچه مستحکم‌تر در میان صفوف خویش توجه جدی کرده و از تشنگی و پراکندگی جلوگیری به عمل آورند، چه بسا بی‌نظمی‌ها عامل ضعف و شکست می‌گردد.

جبهات هر ولایت در میان خویش از راه استحکام فرماندهی واحد به فعالیت‌های جهادی خویش قوت بیشتر بخشند و فرماندهان ولایات مجاور از راه پیاده‌کردن یک شورای هم‌آهنگ

وسیع و گسترده، برنامه‌های مشترک نظامی و اداری را طرح کنند و بدین وسیله مانع نفوذ گماشتگان دشمن شده و از آسیب‌پذیری جبهات جلوگیری به عمل آرند.

جمعیت خواهان هماهنگی در سنگرها با همه آن گروه‌های جهادی است که به دل‌سوزی و اخلاص مشغول پیکار مقدّس‌اند.
سنگر نشینان عزیز و قهرمان!

از کشمکش‌های بین‌الأحزابی سخت بپرهیزید و تا می‌توانید پیوند اخوت و یک‌جهتی را با همه گروه‌ها مستحکم سازید! اگرچه هستند جنگ‌افروزان ماجراجویی که می‌خواهند جبهات جهادی را از درگیری با دشمن دور نگهدارند و نیروی ضربتی مجاهدین را ناتوان و ضعیف سازند؛ اما با این حال بکوشید بهانه‌ای، به‌دست ماجراجویان نیفتد! یقیناً آنانی که فسادپیشگی می‌کنند، خلع ملّت گردیده و تجرید می‌شوند.

برادرانی که در پشت سنگرها، در خدمت اداره و رهبری جهاد قرار دارند، متوجه مسئولیت‌های بزرگ و تاریخی خود بوده، با دل امیدوار، اراده‌قوی در جهت پیروزی انقلاب - در پناه هدایت و نصرت پروردگار - گام بردارند.

ومن الله التوفیق

به مناسبتِ عید سعید اضحی سال ۱۴۰۸ هـ.ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران مجاهد و هم میهنان عزیز!

حلول عید قربان را به همه سنگر نشینان قهرمان و همه افراد ملت مؤمن و حماسه آفرین خویش، در هرجا که هستید، مبارکباد می‌گوییم.

اِمسال عید قربان را در اوضاع و احوالی استقبال می‌کنیم که سرانجام قربانی‌های بی‌دریغ ملت ما در راه پاکسازی کشور از لوث غداران تجاوزگر، راه را به‌سوی پیروزی و بنیان‌گذاری دولت عدل الهی هموار ساخت، عزّت و آبرو، استقلال و آزادی و موجودیت ملّی و تاریخی اقوام و ملل، بدون قبول فداکاری و قربانی حفظ نمی‌گردد.

عید قربان؛ که یکی از شعایر مذهبی ماست، در واقع تجلیل و بزرگداشت یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی؛ یعنی احساس عمیق قربانی در راه خداست، که هزاران سال قبل ابراهیم خلیل به فرمان رب‌الجلیل فرزندش اسماعیل را به قربانی دعوت کرد، ذبیح‌الله هم با شور و شوق به انجام امر پروردگار سر بر زمین گذاشت و آماده قربانی شد.

این حادثه بعد از قرن‌ها به عنوان یک سنت ابراهیمی در میان پیروان مکتب توحید و یکتاپرستی، تجلیل و اجرا می‌شود؛ تا مسلمانان در همه ادوار تاریخ، این حقیقت را فراموش نکنند که عَظَمَت و جلال آنان جز در پناه جهاد و قربانی، در راه اسلام عزیز مُیَسَّر نیست.

جهادگران مؤمن و ملت قهرمان!

اکنون - که به لطف و عنایات الهی - دشمن به ذلت و زبونی و به شکست نظامی روبه‌رو شده و جهانیان شاهد بزرگ‌ترین رویداد تاریخی زمان معاصرند، چند مطلب را نباید از یاد برد:

۱- جهاد در راه خداوند و قربانی در راه هدف و آرمان اسلامی، یک پدیده موسمی و یک عمل آنی و زودگذر نیست؛ جهاد سنت لایزال الهی است که تا زمین و زمان باقی است، این سنت ادامه دارد.

با شکست یک تهاجم و پیروزی در یک و یا چند نبرد، نه مسلمان سلاح بر زمین می‌گذارد و نه هم خطر دشمن اسلام دفع می‌گردد. پس سنگر نشینان همیشه در سنگر اسلام به حال آماده‌باش باقی خواهند ماند:

﴿الْجِهَادُ مَاضٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^۱؛

۲- پیروزی بزرگ نظامی ما، پیامدهای مهم و عمده‌ای را برای دوست و دشمن به ارمغان آورد. به دوستان ما این فتح و پیروزی روح و روان تازه بخشید، روزگار ذلت و سرافکندگی - که به علت ترک جهاد دامنگیر امت اسلامی شده بود - یکبار دیگر عوض شد و نور امید جای یأس و ناامیدی را گرفت؛ اما دشمنان به ابعاد تازه و اسرار نهفته‌ای از نیروهای ملت ما دست یافتند.

تا دیروز تصوّر دشمنان بر آن بود که ملت فقیر و بی‌دانش افغان، توان آن را ندارد که در برابر یک یورش نظامی و یا یغماگری‌های

۱. نگاه: ابوداود (۳ / ۱۸)، شماره حدیث: (۲۵۳۲)، ولفظ آن این است: ﴿وَالْجِهَادُ مَاضٍ مُنْذُ بَعَثَنِي اللَّهُ إِلَى أَنْ يُقَاتَلَ آخِرُ أُمَّتِي الدَّجَالُ، لَا يُبْطِلُهُ جُورُ جَانِبٍ، وَلَا عَدْلُ عَادِلٍ...﴾ «مرکز تدوین»

منظم ایدیولوژیکی از خود، توان مُقاومت را نشان دهد و به‌زودی در برابر حمله نظامی سقوط و در برابر تاخت‌وتاز فکری تسلیم می‌شود؛ اما آنان غافل از آن بودند که صخره‌های پولادین ایمان را نمی‌توان با داس و چکش به آسانی خرد ساخت. دشمنان به نقاط ضعف و ابعاد قوت ما آگاه شدند، از اکنون حملات‌شان شکل دیگری خواهد داشت و برای نابودی نیروهای نهفته و شکست‌ناپذیر ما پلان‌های شوم دیگری مطرح خواهند کرد؛ لذا سخت هوشیار باید بود؛ تا دشمن شکست‌خورده و زبون نتواند بار دیگر با نیرنگ دیگری ما را خرد سازد؛

۳- تلاش‌های مُزوژانه مزدوران روس در داخل کشور، فعالیت‌های مشبوه سیاسی در خارج میهن، بخشی از ابعاد دسپسه‌های سیاه و شوم و شرم‌آوری بود که دشمنان ما در جهت نابودی اسلامی و ناکامی ملت ما به کار گرفتند. اکنون که غلامان حلقه‌به‌گوش و دشمنان آشتی‌ناپذیر اسلام و ملحدان شاخدار خلق و پرچم، سبحه و سجاده به‌دست می‌گیرند، دم از اسلام می‌زنند و یا اینکه «کوردویز»^۱ برای ما لوی جرگه می‌سازد، این‌ها همه سلسله‌ای از دسایس و نیرنگ‌هایی است که هدف آن نابودی ملت ما و ناکام‌ساختن ما بعد از پیروزی می‌باشد؛

۴- این حقیقت را نباید فراموش کرد که جهاد و قربانی ملت ما نمایشی از مسابقه یک تیم پهلوانی نبود، که فقط برای تماشای دیگران عرضه شده و با پیروزی یک طرف قضیه به پایان رسد. این قربانی‌های بی‌دریغ، به‌خاطر یک آرمان والا و هدف بس مقدس

۱. دیگو کُور دُوپیز؛ نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل در امور افغانستان و مذاکره‌کننده در امور پاکستان و افغانستان بود. این مذاکرات از ۱۸۸۴ تا ۱۹۸۸ م، دوام کرد، سرانجام در چهاردهم ماه فیروزی ۱۹۸۸ م، مجموعه اسناد و مدارک چهارگانه پیرامون صلح افغانستان در «ژنیو» به امضا رسید، وی نویسنده کتاب: «پشت پرده افغانستان، نیز می‌باشد. نگاه: ماو پاکستان از محمد اکرام اندیشمند و تحولات سیاسی جهاد افغانستان از دکتر شیر احمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

و بزرگ صورت گرفته و اگر آن آرمان به دست نیاید، دیگر این همه قربانی‌ها به هدر خواهد رفت. هدف والای ملت از این جهاد بزرگ، تشکیل یک دولت اسلامی است که در پناه آن، عزت و آبروی مسلمانان حفظ، مجد و عظمت از یادرفته‌شان دوباره اعاده گردد؛ لذا تا رسیدن به این آرمان، جهاد و مبارزه ادامه خواهد یافت؛

۵- مسئولیت‌های بزرگ و جهاد همه‌جانبه ما درست بعد از پیروزی نظامی بر دشمن آغاز می‌یابد. کار ما با فرار دشمن تمام نمی‌شود؛ اعمار مجدد افغانستان ویران به کار و پیکار سخت نیازمند است، پایه‌گذاری دولت عدل الهی به انسان‌های دل‌سوز و آگاه و نسل انقلابی ضرورت دارد، که زرق و برق نیروهای نظامی چشم‌شان را خیره نساخته و اراده‌شان را متزلزل نسازد. صبر و استقامت در برابر رنج و عذاب، حرمان و مصیبت، خیلی‌ها آسان‌تر از صبر در برابر غنیمت و نعمت است.

پیغمبر { فرموده است که: «من از فقر و محرومیت شما نمی‌هراسم؛ بلکه ترس من از این است که وفور نعمت باعث گمراهی شما گردد.»^۱

لذا در دوران پیروزی - که کمک‌های وافری به نام اعمار مجدد افغانستان سرازیر خواهد شد - نباید ما را به انحراف و کجروی سوق دهد و چه بسا که به نام اعمار مجدد، ویرانی‌های مجدد آغاز گردد.

زینهار از اینکه به دشمنان اجازه دهیم، به ویرانی ملت دست بزنند، کشور ویران را می‌توان آباد کرد؛ اما ملت ویران را نمی‌توان به آسانی تعمیر کرد؛

۶- برخی از غوغاگران، مردم ما را در داخل و ملت‌های جهان را

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿فوالله ما الفقر أخشى عليكم ولكن عليكم أن تبسط عليكم الدنيا، كما بسط على من كان قبلكم فتنافسوها كما تنافسوها وتلهميكم كما ألهمهم﴾ صحیح البخاری، دار ابن کثیر سنة النشر ۱۶۱۶ هـ ق، رقم الحدیث: ۶۰۶۱۱. «مرکز تدوین»

در خارج، از تشکیل یک دولت اسلامی می‌ترسانند، اینان هیاهو و غوغایی سر داده‌اند، که گویا با تشکیل دولت اسلامی، دورهٔ ترور و اختناق، جهل و تاریکی در افغانستان آغاز می‌شود، این‌ها همه هرزه‌سرایی بیش نیستند.

اولین پیام اسلام، مبارزه با جهل و بی‌دانشی و قیام در برابر ترور و اختناق انسان‌هاست.

در حکومت اسلامی، کانون علم و عدل، صلح و امن، آزادی و استقلال است و با تشکیل دولت اسلامی، سایه‌های جهل و تاریکی پا به فرار نهاده، ظلم و بی‌عدالتی رخت بر بسته، فساد و رذیلت نابود گشته، فقر و محرومیت مهار می‌گردد؛ لذا برای خنثی کردن غوغاگران مفسد، همه با هم دست‌به‌کار شویم و در عملکرد خویش نمونهٔ دولت عدل الهی را به مردم عملاً نشان دهیم؛

۷- وحدت و یکپارچگی ملّت ما ضامن قوّت و نیرومندی ملّت ماست. بعد از این اجازه نباید داد به نام نسل، نژاد، قوم و زبان ما را از هم جدا سازند، ما هم یک ملّت یکپارچه و مسلمانیم و متحد و یکپارچه باقی خواهیم ماند؛

۸- پیروزی نظامی بدون پیروزی سیاسی، تهدایی است که اگر بر روی آن دیوارهای یک دولت اسلامی را پایه‌گذاری نکنیم، حیثیت خندقی را خواهد گرفت که ثمرهٔ آن جز اذیت و آزار برای ما نخواهد داشت.

برادران مجاهد و ملّت مؤمن!

بیایید در این عید قربان، برادروار در یک صف مستحکم و نیرومند در راه آزادی کامل کشور، اعمار افغانستان ویران و ساختن یک ملّت انقلابی شکست‌ناپذیر و حماسه‌آفرین با هم آمادهٔ قربانی‌های بزرگ دیگر شویم؛ تا عید بزرگ پیروزی کامل را در داخل کشور تجلیل کنیم.

وما ذلک علی الله بعزیز.

برهان الدین ربانی

مؤرخ ده ذی الحجة ۱۴۰۸ هـ.ق.

به مناسبتِ توطیۀ تجاوزگران روسی در زمینه

ادعای خروج نیروهای تجاوزگر روسی از

افغانستان که در تاریخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷ هـ.ش، صادر گردید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس مرخدایی راست که بزرگ‌ترین قدرت استعماری و جهان‌خوار زمان، یعنی روس متجاوز و اشغالگر را در سرزمین اسلامی افغانستان با شکست ننگین و مفتضحانه روبه‌رو ساخته‌است.

آغاز خروج نیروهای قوای وحشی و تجاوزگر روس از افغانستان پس از هشت سال جنایت و کشتار، تباهی و ویرانگری، نشان‌دهنده این واقعیت است که مجهزترین و نیرومندترین اردوی یک ابرقدرت اهریمنی عصر، در برابر ایمان و اراده آهنین یک ملت مجاهد و مقاوم به‌زانو درآمده و برای رهایی از ننگ شکست و رسوایی، بیشتر راه فرار در پیش می‌گیرد.

جهانیان شاهدند که مردم مجاهد و سلحشور افغانستان به‌خاطر دفاع از عقیده و سرزمین خویش، در برابر رژیم دست‌نشانده و مزدور و بادار تجاوزگر خارجی آن به‌پا خاستند و با قربانی‌های بی‌دریغ و جان‌نثاری‌های بی‌نظیر و با تحمل دردها و رنج‌ها و زحمات فراوان، به انواع تاکتیک‌ها و شیوه‌های نظامی و سیاسی دشمن مقابله کرده و با ثبات و پایداری تمام، بالاخره پوز

عفریت سرخ را به خاک ذلت مالیده و یک قدم دیگر به پیروزی نهایی نزدیک‌تر گردیدند.

استعمارگران روسی با به‌کاربردن انواع سلاح‌های مرگبار و ویرانگر و با طرح و تطبیق مکرها و حیل‌های شیطانی، از قبیل آستی ملی و غیره نتواستند که جهاد مردم ما را سرکوب کرده و به اهداف شوم و ننگین خویش نایل گردند.

بنابراین؛ امروز قوای متجاوز روس بعد از شکست‌های متوالی در صحنه‌های جنگ، اکنون با سرافکنندگی و شرم‌ساری کامل از کشور شیرمردان افغان فرار می‌نمایند و این در حالی است که اردوی خون‌آشام روس به هیچ‌کدام از اهداف خویش در افغانستان دست نیافته و جز کشتار و وحشت و ویرانگری افسران و سربازان وحشی و بی‌فرهنگ روس، با مدرن‌ترین سلاح‌های سنگین و با چنگ و دندان خونین، به‌جان مردم مظلوم و ستم‌دیده ما افتادند؛ ولی اکنون با سر و پوز شکسته و خونین، کشور ما را ترک می‌گویند. این درس آموختنی تاریخ و تجربه‌اندوختنی زمان است.

مردم مسلمان و سلحشور افغانستان، مجاهدین جان‌برکف و قهرمانان سنگر نشین و مهاجرین ستم‌دیده و دردمند!

هنوز جنایت و تباه‌کاری‌های دشمن و توطیه‌ها و دسیسه‌های آن پایان نیافته‌است! هنوز سربازان خون‌آشام روسی کاملاً کشور ما را ترک نگفته‌اند! هنوز رژیم‌ی که سوار بر تانک‌های روسی آمده بود، سرنگون نشده‌است و هنوز تا مرحله‌ی نهایی پیروزی جهاد، فاصله‌ها باقی است! پس به قیام و مقاومت دلیرانه‌تان ادامه دهید! ضربات نهایی را بر دشمن ذلیل و زبون وارد سازید! در استحکام و نیرومندی هرچه بیشتر سنگرها و وحدت صفوف بکوشید و با بیداری و هوشیاری کامل، تمام حیل‌ها و نیرنگ‌های رنگارنگ دشمن را خنثی کنید!

پیروزی شما، پیروزی نهایی جهاد شما مردم مسلمان و

باشهامت، پیروزی پاکستان و ایران و مسلمانان آگاه و بیدار دنیا و مردم آزاد و صلح‌دوست جهان بوده و شکست قطعی متجاوزین و چاکران داخلی آنان، نوید فتح و پیروزی برای همه بشریت است. دنیا باید بداند که خون یک‌ونیم میلیون شهید انقلاب اسلامی افغانستان و همت صدها هزار مجاهد سنگرنشین و میلیون‌ها افغان متدین و به‌پا خاسته، راه پیشروی غول کمونیزم و سیاست توطیه‌طلبانهٔ امپریالیزم^۱ تباه‌کار روس را سد کرده و عفريت غارتگر سرخ - این دشمن صلح و آزادی - مردم دنیا را در کوه‌پایه‌های پرغرور افغانستان به زنجیر کشیده‌است.

از این‌رو؛ پیروزی مجاهدین افغانستان پیام صلح و آرامش و خوشبختی مردم دنیاست.

پیروزی جهاد و انقلاب اسلامی کشور ما و شکست روس و چاکران آن در افغانستان، در حقیقت پیروزی صلح و عدالت و انسانیت است. پیروزی حق بر باطل و چیرگی نور بر ظلمت است و غلبهٔ صلح و آرامش بر جنگ و آدم‌کشی و پیروزی عدالت و انصاف بر تباہی و ویرانگری است.

دنیا باید بداند که این قیام و مقاومت دلیرانهٔ مردم ما و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌های بی‌دریغ آنان بود که روس‌ها را مجبور به خروج از افغانستان ساخته، نه موافقت‌نامهٔ ژنو، زیرا روس‌ها جز با منطق زور، با منطق دیگری آشنایی ندارند.

افسران و سربازان تجاوزگر روس در افغانستان، ننگ و ذلت ابدی تاریخ همراه‌تان و لعنت و نفرین همیشگی مردم آزاد گیتی

۱. امپریالیزم؛ در لغت از ریشهٔ امپراتوری مشتق شده‌است؛ یعنی تشکیل دادن امپراتوری دادن و در معنای وسیع آن، هرنوع گسترش، توسعهٔ ارضی و سلطهٔ قوی بر ضعیف را در بر می‌گیرد. این نوع امپریالیزم در طول تاریخ همیشه وجود داشته‌است، مانند: امپراتوری‌های ایران، روم، ترکیهٔ عثمانی و... در اصطلاح، امپریالیزم یک مفهوم جدیدتر را - نیز - شامل می‌شود و آن گسترش‌گرایی کشورهای پیشرفتهٔ اروپایی در بقیهٔ جهان در ۵۰۰ سال اخیر است. نگاه: دانشنامهٔ سیاسی از داریوش آشوری. «مرکز تدوین»

نثارتان باد.

خشم و نفرت عمیق مردم ما از شما و دولت جهان خوارتان در دل تاریخ جاویدانه خواهد بود. خون پاک یک و نیم میلیون شهید بی گناه ما و خرابه ها و ویرانه های افغانستان به مثابه اسناد ابدی جنایت و تباه کاری روس در توالی قرون و اعصار، ثبت تاریخ بشریت خواهد ماند.

ما متیقینیم که پس از نخستین مرحله عمده پیروزی جهاد، خروج نیروهای روس، شاهد سرنگونی رژیم دست نشانده و پوشالی و استقرار حکومت اسلامی در افغانستان خواهیم بود.

إن شاء الله و تعالی

برهان الدین ربانی

مؤرخ؛ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷ هـ.ش.

نمايه

آيات

- ﴿إِنْ تَصُرُّوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ ٧٣
- ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ..﴾ ٧٣
- ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ٢٤
- ﴿إِنَّهُ سَمِيعٌ مُجِيبٌ قَرِيبٌ﴾ ٦١
- ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ﴾ ٧٢
- ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعْدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ..﴾ ٥١
- ﴿لِيُمَيِّرَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ ٥١
- ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ ٤٤
- ﴿وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ ٨١

﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا يَبَيِّنَ النَّاسَ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ..﴾ ٧٨
﴿وَسَيَعْلَمَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ ٦٦
﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ ٤٩

احاديث

﴿الْجِهَادُ مَا ضَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ ٩٦

﴿..فَإِنَّهُ مَنْ شَذَّ شَذَّ فِي النَّارِ﴾ ٥٨

اشعار

برو این دام بر مرغ دیگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه ۲۹

اسما و اشخاص

ابراهيم خليل ٩٥

ابليس ٥٢

استالين ٥٨

اسماعيل ٩٥, ١١

دجال ٥٢

رضاشاه ٣٦

كوردويز ٩٧

محمد اسماعيل طارق ٢٣, ٢١, ٩

مسعود ٢٤

هتلر ٥٨

اماکن

اسرائیل ۱۸

آسیای مرکزی ۵۴,۳۰,۲۹

افغانستان ۳۱,۳۰,۲۹,۲۸,۲۷,۲۵,۲۳,۱۹,۱۳,۱۲,۹,۸

۵۶,۵۵,۵۳,۵۲,۴۷,۳۹,۳۸,۳۷,۳۶,۳۵,۳۴,۳۳,۳۲

۱۰۴,۱۰۳,۱۰۱,۹۹,۹۸,۹۷,۸۹,۸۸,۸۶,۸۰,۷۷,۶۱,۶۰

۱۰۶,۱۰۵

آلمان ۵۸,۵۴

ایران ۱۰۵,۳۷,۳۶,۲۹

باختر ۸۸,۸۷

پاراچنار ۸۹

پاریس ۸۷

پاکستان ۱۰۵,۹۷,۸۹,۳۰,۲۹,۲۸

پوهنتون ۵۹

جهان اسلام ۷۲,۳۸,۳۷,۳۱

خاور ۸۷

روسیه ۷۹,۵۸,۳۹,۳۸,۳۷,۳۶,۳۴,۳۲,۳۱,۳۰,۲۹,۲۸

ژنو ۱۰۵,۸۸,۵۷,۵۳,۵۲

سرزمین‌های اشغالی ۱۷

فلسطین ۱۹,۱۸,۱۷,۱۵,۱۱

قدس ۱۸,۱۷

کابل ۶۰,۵۴,۳۳,۳۲,۳۰,۲۹,۲۸,۸

کِرمَلین ۸۹,۸۸,۸۷,۸۵,۴۵,۳۳,۳۱,۲۹,۲۸

کشورهای اسلامی ۸۸,۳۰

کشورهای عربی ۱۸

کُوریا ۵۴

لغمان ۲۳

لندن ۸۷

منگل ۸۹

میران‌شاه ۸۹

ولایات شمال ۵۴

ویتنام ۵۴

گروه‌ها، احزاب و قبایل

استعمارگران ۱۰۴,۳۸,۳۴

اشغالگران ۶۰,۵۹,۵۶

امت اسلامی ۹۶,۷۲,۴۳

بیوه‌زنان باتقوی ۱۷

پیرمردان ۷۱,۱۷

جمعیت اسلامی افغانستان ۵۵,۲۳,۱۹,۸

حزب توده ۳۷

حزب کمونیست ۳۹,۳۷

خلق و پرچم ۹۷,۵۹,۲۸

دولت اسلامی ۹۹,۳۵

رژیم الحادی ۳۳

رژیم کمونیزم ۵۹

رژیم مزدور ۳۲,۲۹

روس‌ها ۱۰۵,۹۰,۵۴

زنان باحیا ۲۷

ستمگران ۶۶,۴۳,۱۹

شاخهٔ زیتون ۱۷

صهیونیزم ۱۸

قشون اشغالگر روسی ۲۷

کمونیسم ۱۰۵,۷۹,۵۹,۵۸,۳۷,۳۵,۳۴

کودکان ۷۱,۶۷,۶۶,۵۷,۵۰,۲۷,۱۹,۱۸,۱۷,۱۱

لشکریان یهود ۱۸

مجاهدین ۵۹,۵۶,۵۵,۵۳,۴۷,۳۸,۳۴,۳۰,۲۹,۱۹,۹

۱۰۵,۱۰۴,۹۲,۸۷,۷۱,۶۰

ملحدان ۹۷

مهاجرین ۱۰۴,۷۷,۵۳,۴۰,۳۰,۲۹,۲۷

نوجوانان ۱۷,۱۱

نویسندگان ۴۴

یغماگران ۵۰,۲۷

مفاهیم و اصطلاحات

ابتلا ۷۸

آتش بس ۲۷, ۲۹, ۳۰, ۳۱, ۳۲, ۸۶

احباب ۶۶

احتیاط ۶۷

اختناق ۳۳, ۹۹

اخلاق ۶۰

اخوّت ۹۱, ۹۲

اذیت ۶۷, ۹۹

ارتکاب ۷۱, ۷۸

ارمغان ۹۶

آزادی ۱۸, ۱۹, ۳۲, ۳۳, ۳۵, ۳۸, ۵۰, ۵۸, ۵۹, ۶۰, ۹۵, ۹۹,

۱۰۵

آستان ۹۰

استبداد ۴۳, ۵۶, ۶۰

استقامت ۲۴, ۴۰, ۴۹, ۶۶, ۷۸, ۸۰, ۹۸

استقرار ۳۰, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۱۰۶

استقلال ۳۲, ۳۳, ۳۵, ۵۴, ۵۵, ۵۸, ۹۵, ۹۹

استکبار ۱۲, ۷۷

آشتی ملی ۲۷, ۳۰, ۳۲, ۳۴, ۸۶, ۸۷, ۱۰۴

اعتصام ۷۸

إعمار ۹۸, ۹۹

افتضاح ۶۶, ۷۹

افق ۴۹, ۶۶

اقتدار ۳۳

اقتصاد ۳۱, ۳۴, ۳۸

امپریالیزم ۱۰۵

امنیت ۳۰, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۳۸, ۵۸, ۸۸

امواج ۲۳, ۳۵, ۳۹

انتخابات ۳۳, ۵۶

انحصار ۵۶

انسجام ۵۵, ۶۷

اهتزاز ۶۵

اوباش ۳۳

ایدیولوژی ۸۰

ایمان ۱۲, ۴۳, ۵۰, ۶۶, ۷۲, ۷۷, ۸۰, ۸۵, ۸۸, ۹۷, ۱۰۳

باطل ۱۹, ۷۲, ۱۰۵

بسیج ۵۵

بشریت ۷۷, ۱۰۵, ۱۰۶

تابناک ۲۳

تبعیض ۶۱

تجريد ۵۴, ۹۲

تحقق ۸۰

ترور ۹۹

- تزویر ۸۸,۴۳
 تسلّط ۶۷,۵۴,۳۹,۳۷,۳۲
 تشدید ۵۴,۵۳
 تعمیق ۵۹
 تقرُّب ۳۰
 تقوی ۹۱,۶۰
 تملّن ۳۴
 تمسُّک ۸۰
 تهاجم ۹۶,۳۴
 توبه ۷۲,۶۷,۵۱
 توحید ۹۶,۵۵
 توهم ۵۶
 ثبّات ۶۶,۵۱,۴۹,۲۴
 جِهَاد ۵۹,۵۷,۵۵,۵۴,۵۳,۵۱,۴۴,۴۳,۲۸,۲۳,۱۹,۱۱
 ۷۲,۷۳,۷۸,۷۹,۸۰,۸۱,۸۵,۹۰,۹۱,۹۲,۹۶,۹۷,۹۸,
 ۱۰۴,۱۰۵,۱۰۶
 جَہل ۹۹,۳۴
 جولانگاہ ۶۵
 چلنج ۴۰
 حاکمیت ۸۰
 حبالمتین ۸۰,۷۸
 حرمان ۹۸,۵۰,۱۹
 خشم ۱۰۶,۶۰,۱۹,۱۷
 خصم ۹۰,۶۷,۴۹,۴۳
 دانش ۸۷,۶۰,۱۱
 دردانگیز ۶۶
 دِرَفش ۵۱

- دسایس ۹۷,۸۰,۵۶,۵۵,۴۹,۳۰,۲۸
- دلاور ۷۷,۱۳
- راسخ ۷۸,۷۲
- رشادت ۷۷
- رفاه ۸۰
- روشنفکر ۶۰
- زبون ۱۰۴,۹۷,۷۸
- ژاندارم ۳۷
- سالوس ۹۰,۸۸
- سبحه ۹۷
- سرافکنندگی ۱۰۴,۹۶
- سعادت ۸۰
- سقا ۶۰
- سلب ۳۳,۳۲
- سنت ۹۶,۷۹
- سهمگین ۲۷
- سوسیالیست ۵۸,۳۸
- شاداب ۶۵
- شکنجه ۶۱,۳۳
- شکوهمند ۵۱,۳۹
- شلاق ۳۳
- صاعقه ۴۳
- صفوف ۱۰۴,۹۱,۶۷,۵۹,۵۵,۵۱,۴۳
- صلح ۱۰۵,۹۹,۹۷,۸۸,۸۷,۸۶,۶۰,۵۲,۳۸,۳۶,۳۳,۸
- ضمیر ۳۵,۱۷,۱۱
- طرد ۵۹
- طلسم ۹۰

- طہارت ۹۱
 طومار ۹۰
 ظلمت ۱۰۵
 عاطفہ ۸۷
 عبودیت ۶۰
 عدالت ۱۰۵, ۶۰
 عذاب ۹۸, ۷۲, ۳۳
 عریان ۵۰
 عزّت ۹۸, ۹۵, ۸۰, ۷۹
 عصیان ۱۹
 عَظَمَت ۹۸, ۹۶, ۸۰, ۴۴
 عفريت ۱۰۵, ۱۰۴
 علم ۹۹, ۶۰
 عنان ۳۳
 عودت ۵۹, ۵۸
 غدار ۵۳, ۵۲
 غرب ۵۶, ۳۷, ۳۱, ۲۹
 غُرش ۸۶, ۶۵, ۲۷
 غصب ۵۶, ۳۲
 غلیظ ۶۶
 گولپیکر ۶۵, ۳۲, ۲۷
 فتح مبین ۵۰
 فضیلت ۶۰
 فقر ۹۹, ۹۸, ۶۱, ۳۶
 قاموس ۴۳
 قشون ۸۵, ۷۱, ۵۹, ۵۶, ۴۵, ۳۸, ۳۴, ۳۳, ۳۲, ۳۱, ۲۷, ۱۸

کاذب ۸۸,۵۱

کثیف ۶۷,۵۵

کفر ۴۳

لوٹ ۹۵

مارکسیزم ۳۱

مأیوس ۹۱

مُبَارَزَه ۹۹,۹۸,۷۹,۵۵,۵۱,۴۴,۴۳,۴۰,۳۴,۱۹,۱۸,۱۱

مبتکر ۲۴

مترلزل ۹۸,۳۰

متعهد ۵۲,۴۴,۳۵

مجد ۹۸,۱۹

مَحَبَّت ۹۱

مخلص ۹۱

مخلوع ۹۰

مُذَلَّت ۷۲

مزوّر ۹۰

مستضعف ۷۹,۱۹

مسلمان ۷۲,۶۰,۴۷,۴۴,۳۹,۳۷,۲۸,۱۹,۱۵,۱۲,۱۱,۹

۱۰۴,۹۶,۸۱,۷۹,۷۷

مشبوه ۹۷

مظلوم ۱۰۴,۸۵,۷۱,۵۳,۵۰,۴۵,۳۴,۳۱,۲۷,۱۹,۱۷

معجزیان ۲۴

معرفت ۶۰,۱۱

معصوم ۶۶,۲۷

مُقَاوَمَت ۱۰۵,۱۰۴,۹۷,۷۸,۵۹,۵۴,۵۲,۴۰,۳۰,۲۹

مقدّس ۹۷,۳۵

مکّار ۸۶

ملّت ۹, ۱۱, ۱۲, ۱۵, ۱۷, ۱۹, ۲۷, ۲۸, ۲۹, ۳۰, ۳۱, ۳۲, ۳۳,
 ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰, ۴۳, ۴۴, ۴۵, ۴۷, ۴۹, ۵۰,
 ۵۲, ۵۳, ۵۴, ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۹, ۶۰, ۶۱, ۶۵, ۷۱, ۷۷, ۷۸, ۷۹,
 ۸۰, ۸۵, ۸۶, ۸۹, ۹۰, ۹۱, ۹۲, ۹۵, ۹۶, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۳

ملحد ۵۲, ۵۸

ملیشہ ۳۰

منقطع ۵۳

مؤمن ۱۱, ۱۲, ۱۷, ۲۳, ۳۰, ۴۰, ۴۳, ۴۴, ۴۹, ۵۲, ۵۳, ۵۴,
 ۶۰, ۶۶, ۷۱, ۷۷, ۸۰, ۸۶, ۸۸, ۹۱, ۹۵, ۹۶, ۹۹

موہبت ۷۹

موہوم ۵۳

ناپالم ۸۷

نحیف ۲۳

نخوت ۱۲, ۷۷

نژاد ۹۹

نسیم ۶۵, ۸۵

نصرت ۵۰, ۶۶, ۷۹, ۹۲

نفرین ۶۰, ۱۰۵

نفیر عام ۳۷

نہیب ۶۵

نیشنلیست ۱۷

ہدایت ۴۳, ۴۴, ۵۸, ۶۷, ۹۲

ہرزہ ۳۳, ۳۹, ۵۲, ۸۸

ہولناک ۲۷, ۷۸

ویران ۳۱, ۴۳, ۶۰, ۷۱, ۷۸, ۸۶, ۹۸, ۹۹

یأس ۸۵, ۹۱, ۹۶

یورش ۱۸, ۸۵, ۹۶

رویکردها

**** قرآن کریم؛**

۱- احمدیان، بهرام امیر، (۱۳۷۳)، «آسیای مرکزی و حدود آن»، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵، بی جا؛

۲- التل، عبدالله، (بی تا)، خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، ناشر: دارالقلم، بی جا؛

۳- الحاكم، أبي عبدالله، (۱۴۲۷)، المستدرک على الصحيحين، الطبعة الأولى، بی جا؛

۴- السجستاني، سليمان بن الأشعث أبوداود، (بی تا)، سنن أبي داود - محقق وبتعليق، الناشر: دارالكتاب العربي - بيروت؛

۵- اندیشمند، محمد اکرام، (۱۳۸۸)، ما و پاکستان، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، چاپ: دوم، کابل، افغانستان؛

۶- انصاری، پوهنوال سلطان محمد، (۱۳۹۴)، جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اول، انتشارات بین المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛

۷- آشوری، داریوش، (۱۳۹۳)، دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست و سوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛

۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۶۱۶)، صحیح البخاری، دار ابن کثیر؛

۹- بختیاری، سعید، (۱۳۹۴)، اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴-۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ: اول، محل نشر: تهران، ایران؛

۱۰- بروس، (۱۹۹۷)، کوریا مکان تحت الشمس، نورتون، ISBN ۰-۳۵۵۱-۳۹۳-۰، بی جا؛

۱۱- پسیان، نجف‌قلی - خسرو معتضد، (۱۳۸۲)، زندگی رضا شاه پهلوی، نشر ثالث، چاپ سوم، بی جا؛

۱۲- حق شناس، دکتور شیراحمد نصری، (۱۹۸۴)، دسایس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمد تا بیرک، ناشر: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، بی جا؛

۱۳- حق شناس، شیراحمد نصری، (۱۳۸۵)، تاریخ تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ج: سوم، چاپ دوم (با تصحیح و اضافات)، محل چاپ: مطبعة نعمانی، ناشر: انتشارات نعمانی، کابل، افغانستان؛

۱۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵)، لغت نامه، محل نشر: تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا؛

۱۵- ربانی، برهان‌الدین ربانی، (۱۳۹۵)، چهنوع مبارزه، چاپ: چهارم، چاپخانه: بهیر، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، محل نشر: کابل، افغانستان؛

۱۶- سیوطی، جلال‌الدین، (بی‌تا)، المحاضرات والمحاورات، مكتبة الشاملة، بی جا؛

۱۷- شارقى، محمد كاظم، (۱۳۶۰)، «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، میثاق خون، ارگان نشراتی انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی، شماره سیزدهم؛

۱۸- شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، (۱۳۸۴)، دیوان حافظ شیرازی، ناشر: نگاران قلم، محل چاپ: قم، ایران؛

۱۹- طبری، احسان، (بی‌تا)، صورت قسم‌نامه قانون اساسی مشروطه و جامعه ایران در دوران رضاشاه، بی‌جا؛
۲۰- علی بابایی، غلام‌رضا، (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛

۲۱- قطب، سید، (۱۳۸۷)، نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، نشر احسان، چاپ اول، محل نشر: تهران، ایران؛

۲۲- مایکل، آزکان، (۱۳۸۷)، تجزیه کره در جنگ کره، ویرایش تاریخ جهان، ناشر: ققنوس، محل نشر: ایران؛
۲۳- هندی، علامه علاء‌الدین علی المتقی بن حسام الدین، (۱۴۰۵)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، بیروت؛

۲۴- هیتلر، آدولف، (۱۳۹۰)، نبرد من، مترجم: عنایت الله شکیباپور، انتشارات: دنیای کتاب، بی‌جا؛

۲۵- «اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت هفتاد و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران»، حزب توده ایران، ۲۰۱۴-۲۰۰۹-۲۲، بایگانی شده از نسخه اصلی در ۲۰۱۴-۲۰۰۹-۲۵، بازبینی شده در ۲۰۱۴-۲۰۰۹؛

۲۶- مجموعه واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان فارسی تا پایان سال ۱۳۸۹ ه.ش؛

۲۷- وبسایت مجله اینترنتی «تیک تریپ».